



فهرست مطالب

۲نظام در چنبره نئولیبرالیسم
۴بنزین بر آتش خشم مردم! هفت روز پس از نبرد نابرابر با دژخیمان حاکم
۶مبارزه مردم برحق است، اما باید هوشیار بود، تا
۸«به زودی سیل ده‌ها میلیون گرسنه ایرانی همه چیز را ویران می‌کند»
۹اظهارات مأموران امپریالیسم آمریکا به ضرر مردم ایران
۱۰سخنی در مورد «خشونت»، قهر انقلابی و قهر ضدانقلابی
۱۱به نفع مردم!
۱۱بمباران ضد بشری غزه توسط رژیم صهیونیستی اسرائیل را محکوم می‌کنیم
۱۲در جبهه نبرد طبقاتی
۱۹برگزاری مراسم یادبود هادی جفرودی
۲۰در حاشیه کودتا در بولیوی
۲۱رئیس جمهور خودخوانده و مورد تأیید سیا!
۲۲امپریالیسم آمریکا، اصلی‌ترین دشمن بشریت!
۲۳به یاد آنان که هرگز از خاطره نمی‌روند
۲۴اسامی ۱۲۷ تن از جانباختگان اعتراضات سراسری آبان
۲۵اسامی ثروتمندترین سرمایه‌داران ایران
۲۶پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام
۲۷گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به چند پرسش

نظام در چنبره نئولیبرالیسم

سخنی درباره علل طغیان توده‌ها

ناآرامی‌ها و اعتراضات اخیر را می‌توان به صراحت نتیجه و برآمد سه دهه سلطه نئولیبرالیسم اسلامی بر زندگی مشقت‌بار زحمتکشان کشورمان تلقی کرد. خیزش آبانماه بار دیگر فرصتی به دست فرصت‌طلبان درون و بیرون از حاکمیت داد، تا با گشودن مباحثی، که غالباً در خصوص شروع و روند تشدید این اعتراضات شکل می‌گرفت، تصویری نارسا و نادرست از این اعتراضات به نمایش بگذارند. هدف ایجاد پیچیدگی و نرفتن به عمق مسائل اساسی، نه پرداختن به ریشه و علل اصلی و واقعی این وضعیت اسفبار است.

بنا به اظهارات مسئولین رژیم غالب معترضین متعلق به طبقات محروم جامعه هستند. این خود می‌رساند که بیشترین فشار بر دوش طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان جامعه است. هنگامی که مردم با دو شعار «معیشت» و «آزادی»، که چیزی نیست جز بیان همان شعار محوری «نان، کار و آزادی» بمثابة خواست واقعی و محق، به کف خیابان می‌آیند، آیا غیر از این است که طرح مسأله معیشتی رابطه مستقیم با انتقاد مردم به نظم سرمایه و سیاست‌های نئولیبرالی دارد و نزدیک به سه دهه تحت نظارت و توصیه‌های «بانک جهانی» و «صندوق بین‌المللی پول» اجرا می‌گردد؟ اعتراضات مردمی که بخشاً با خشونت علیه نمادهای قدرت مانند بانک‌ها و موسسات مالی همراه بود، نمود و بیان عملی این واقعیت است. فرصت‌طلبان درون و بیرون از حاکمیت اما با این واقعیت کاری ندارند. آنچه که آنها را به هم نزدیک می‌سازد، اعتقاد و ایقان هر دو آنها به نظام سرمایه‌داری و کرنش در برابر تفکر و اندیشه نئولیبرالیسم است که در هر دو آنها به وضوح قابل تشخیص است. تنها وجه اختلاف آنها در این است که بخشی در درون حاکمیت نشسته‌اند و بخش دیگر در خارج از آن در کنار امپریالیسم و صهیونیسم.

سلطنت‌طلبان، مجاهدین، چپ‌های بریده، حزب «کمونیست» کارگری و عناصر وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم همه بدون استثناء مداخلات و سیاست خارجی جمهوری اسلامی را عامل بدبختی‌ها و نارسائی‌های اجتماعی می‌نمایانند، تو گویی عقب‌نشینی ایران از منطقه آن داروی التیام‌بخش دردهای و رنج‌های مردم ماست. از اینرو در هیچیک از مقالات و تصریحات این دار و دسته، کوچک‌ترین اثری نه از نقد به سیاست تحریمات می‌یابید و نه از نگاه نقدگرایانه به نئولیبرالیسم و نظام سرمایه‌داری. علت آن این است که آنها با عامل اصلی و اساسی کاستی‌ها، مشکلات، معضلات و مصیبت‌های عدیده مردم رنج‌دیده ما کاری ندارند، چشم بر روی آنها می‌بینند و از کنار آن به راحتی می‌گذرند. حتی اقدامات تحریمات اقتصادی امپریالیسم آمریکا را نه تنها مفید، که آنرا برای مبارزات ضد رژیم‌های الزامی و ضروری می‌دانند.

تحمل مصیبت‌های ناشی از آنرا نیز آن بهائی می‌دانند که مردم ایران باید برای دستیابی به «آزادی» پرداخت کنند. انتقاد آنها در بهترین حالت همانند جریان‌های منتقد درون حاکمیت می‌تواند تنها متوجه بی‌درایتی مسئولین نظام در نحوه اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی گردد.

دفتر سیاسی و شورای مرکزی «حزب اتحاد ملت» و بیانیه ۷۷ نفره اصلاح‌طلبان انتقاد خود را تنها متوجه «شیوه اتخاذ تصمیم و نحوه اجرای این طرح» کردند. «مصطفی تاجزاده» نیز بر آنست که «تصمیم و شیوه اجرا، هر دو غلط بودند...» و به زعم او «معترضان واقعی در شرایط فعلی ساکت می‌شوند، چون نمی‌خواهند کشورشان به آتش کشیده شود». تاجزاده به جای آنکه حاکمیت را مورد خطاب قرار دهد و از او بخواهد که دست از اجرای سیاست‌های ریاضتی بردارد، تا کشور به آتش کشیده نشود، وقیحانه مردم را به سکوت فرا می‌خواند. او خود اذعان دارد که «بزرگ‌ترین دلیل این اعتراضات افزایش نابرابری است» اما او به شما نمی‌گوید که اصل «نابرابری» از کجا منشاء می‌گیرد. می‌بینیم که منتقدین درون حاکمیت و «پوزسیون» وابسته به امپریالیسم هر دو این حقیقت متفن را با وقاحت هر چه بیشتر کتمان می‌کنند که علت‌العلل همه ناکامی‌ها، رنج‌ها و مصیبت‌های اجتماعی همین نظام منحوس سرمایه‌داری است که بیش از ۴۰ ساله در قالب یک حکومتی دینی سیاست‌های نئولیبرالی را مطابق توصیه‌های «صندوق بین‌المللی پول» و «بانک جهانی» به اجرا گذارده است. مشکلات عدیده اقتصاد کشور در کنار تحریمات اقتصادی اخیر همه ناشی از ماهیت نظام سرمایه‌داری عقب‌مانده است، نتیجه «سیاست تعدیل اقتصادی» و اجرای بی‌چون و چرا توصیه‌های «صندوق بین‌المللی پول» است و نه عدم مدیریت، دریات، فهم، شعور و تخصص دولت‌مردان جمهوری اسلامی از اقتصاد، چرا که سیاست‌های نئولیبرالی در همه کشورها مستقل از تنوع و ویژگی‌های جغرافیائی، زبانی، فرهنگی و اقتصادی کشورها یکسان عمل می‌کند. «سیاست تعدیل اقتصادی» یک نسخه جهانشمول است که بدون در نظر گرفتن نوع و درجه پیشرفت اقتصاد کلان کشورها به آنها تحمیل شده است و عدول از بندهای آن طبیعتاً با واکنش شدید «صندوق بین‌المللی پول» و «بانک جهانی» مواجه می‌شود. از اینرو کارگران و زحمتکشان اکوادور، شیلی، آرژانتین، عراق، لبنان و فرانسه همه از همان سیاست‌هایی رنج می‌برند، که کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان در ایران. همه انگشت اتهام را به سوی طبقه حاکمه خود به عنوان مجری سیاست‌های نئولیبرالیسم نشانه می‌برند. هر آنچه که در طی سه دهه در ایران عملی گشت، در اقصی نقاط جهان نیز به اجرا گذاشته شده و نتیجه همه جا یکی بوده است؛ تعمیق فاصله طبقاتی، تمرکز هر چه بیشتر ثروت در دست تعدادی انگشت‌شمار و در قبال آن افزایش روزافزون فقر، بیکاری، فحشاء، اعتیاد، طلاق، کودکان کار، دزدی، مهاجرت و جنگ و ویرانی و مصیبت‌های ناشی از آن.

باعث شده است تا مردم را به کف خیابان بکشاند؟ حاکمیت قدم در راهی گذارده است که مجبور است آنرا تا به آخر ادامه دهد و در برابر مقاومت مردم راهی جز اعمال خشونت ندارد. در تأیید این واقعیت کفایت نگاهی به جزوه «مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه ایران» انداخت تا صحت این ادعا را دریافت. در آنجا به این مسأله چنین اشاره می‌رود. «حرکت جهانی اکنون به گونه‌ای است که دیگر حاکمیت‌های ملی به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر باید از لحاظ اصولی و راهبردی از انگاره‌های واحدی پیروی و تبعیت کنند». این انگاره‌های واحد چیزی نیستند جز پیروی و تبعیت کامل از نئولیبرالیسم. یکی از نتایج مترتب بر تبعیت اجتناب‌ناپذیر از این سیاست‌ها این است که حاکمیت در مجموع خود در برابر معضلات و مشکلات لاینحلی قرار گرفته است که در حل آنها ناتوان است و همین ضعف است که او را در برابر خواست‌های محق مردم به خشونت وامیدارد، چرا که راه برگشت برای او متصور نیست. آنچه که مسلم است این است که ادامه و تداوم اجرای سیاست‌های تعدیلی وضعیت معیشت مردم را بدتر از این خواهد کرد و رژیم را بیش از پیش در بحران‌های سیاسی - اجتماعی فرو خواهد کشید.

«اصلاح طلبان» و «اصول‌گرایان» این دو جناح درون حاکمیت علی‌رغم اختلافات‌شان، در بالاترین سطوح در طی سه دهه گذشته مشترکاً سیاست‌های نئولیبرالی را اجرا کردند و در پیشبرد و سرعت اجرای آن اجماع نظری و عملی داشتند. کفایت به ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۱۳۸۴ اشاره رود. ضرورت و الزامات خصوصی‌سازی هر چه بیشتر و سریع‌تر شرکت‌های دولتی، بخش آموزش و بهداشت تا سال ۱۳۹۸ نمونه بارز آن است. «کاترینا پرفیلد»، مشاور «صندوق بین‌المللی پول» در رابطه با اجرای توصیه‌های این صندوق در ایران می‌گوید: «وقتی به ایران نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که برخی از توصیه‌های ما اجرایی شده است». اکنون از درون حاکمیت صداهائی به گوش می‌رسد، انتقاداتی به نحوه اجرای سیاست‌های تعدیلی دولت مطرح می‌کنند. این انتقادات می‌توانند در بهترین حالت به تجدیدنظر در نحوه اجرای این سیاست‌ها به‌انجامد. «سیاست تعدیل اقتصادی» به هیچوجه خوب و بد ندارد، هر طور که اجرا شود، نتیجه آن برای زحمتکشان یکسخت.

«ممانعت از تشکیل‌یابی جامعه» برگرفته از اندیشه نئولیبرالیسم است. سیاست‌های سرکوبگرانه و فشارهای بی حد و حصر به کارگران و اقشار مختلف جامعه مبنی بر عدم تشکیل تشکلات مستقل صنفی، بدون تردید در جهت تقویت و تحکیم سیاست‌های نئولیبرالی است. هنگامی که حاکمیت اقشار مختلف جامعه را از ایجاد تشکلات صنفی‌شان باز می‌دارد، آیا اینطور نیست که عملاً مردم را در برابر هجوم نئولیبرالیسم خلع سلاح می‌کند؟ رابطه دولت با ملت می‌بایستی از طریق

بنابر جدیدترین گزارشی که «صندوق بین‌المللی پول» روز دوشنبه ۵ آبان در مورد «چشم‌انداز اقتصاد منطقه‌ای» منتشر کرد، آمده است که بخشی از تنش‌های اجتماعی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا نیز ناشی از رشد اقتصادی ضعیف آن‌هاست (ضعف اقتصادی نیز رابطه مستقیم دارد با اجرای فرامین «صندوق بین‌المللی پول») و بیکاری و کاهش رشد اقتصادی بر دامنه اعتراض‌ها در چندین کشور عربی و خاورمیانه افزوده است. در همین خصوص «جهاد ازغور»، مدیر خاورمیانه و آسیای مرکزی صندوق بین‌المللی پول در توضیح گزارش روز دوشنبه ۵ آبان‌ماه به خبرگزاری فرانسه گفت: «نرخ رشد در کشورهای منطقه کمتر از میزان لازم برای مبارزه با بیکاری است. این منطقه جایی است که نرخ بیکاری جوانان در آن از ۲۵ به ۳۰ درصد رسیده و برای مبارزه با این معضل به نرخ رشدی بالاتر از ۱ و ۲ درصد نیاز است». «صندوق بین‌المللی پول» در همین گزارش اذعان دارد که زنان و جوانان در این کشورها «آسیب‌پذیرترین اقشار» هستند.... «در سال ۲۰۱۸ بیشتر از ۱۸ درصد زنان و نزدیک به ۲۳ درصد جوانان در این کشورها شغل ثابت نداشته‌اند» (فراموش نکنیم که «قراردادهای موقت» یکی از توصیه‌های خود «صندوق بین‌المللی پول» بوده است. مطابق گزارش تسنیم، «۱۲ میلیون کارگر دارای قراردادهای موقت و پیمانی هستند؛ یعنی حدود ۹۶ درصد کارگران با قراردادهای موقت و پیمانی کار می‌کنند. اکثر این قراردادها ۳ ماهه و ۶ ماهه هستند» وضعیت در اقصی نقاط جهان نیز همین گونه است. این تصویری است کلی از اوضاع کنونی جهان. همانطور که می‌بینیم علی‌رغم تفاوت‌های زبانی، فرهنگی و جغرافیائی نتیجه در همه جا یکسخت.

رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی هیچ ابائی ندارد از اینکه رسماً اعلام کند «شمار خانوارهایی که مشمول دریافت حمایت‌های اجتماعی معیشتی قرار خواهند گرفت به ۶۰ میلیون نفر می‌رسد». به گفته ربیعی «این رقم بیش از ۱۸ میلیون خانوار را در برمی‌گیرد». این یک فاجعه است. «صندوق بین‌المللی پول» در گزارشی به نام «نئولیبرالیسم گران فروخته شده؟» در ژوئن ۲۰۱۶ اذعان داشت که در سه دهه گذشته «باز توزیع ثروت» در جهان صورت نه‌گرفته است و نتیجه اینکه جهان امروز «نابرابرتر» از گذشته شده است. سازمان ملل نیز در طی گزارشی که در سپتامبر ۲۰۱۸ انتشار داد، «خصوصی‌سازی» را «ابزار به حاشیه‌راندن فقرا و گروه‌های کم‌درآمد» معرفی کرده است.

این اندیشه نئولیبرالیسم است که طبقه حاکمه را هرچه بیشتر ملزم می‌کند به اینکه بر طبقات متوسط و پائین جامعه فشار وارد آورد. عدم درک این حقیقت باعث بُهت و حیرت بسیاری شده است که چرا دولت ایران در اوضاع و احوال کنونی که اعتراضات مردمی در عراق و لبنان و آمریکای لاتین در حال شعله‌ور شدن هستند، دست به چنین اقدام نسنجیده‌ای زده و



(اعلامیه حزب کار ایران - توفان، شماره ۲)

بنزین برآتش خشم مردم! هفت روز پس از نبرد نابرابر با دژخیمان حاکم

از اعتراضات به افزایش بهای ۳۰۰ درصدی بنزین هفت روز می‌گذرد. تاکنون بیش از صد کشته بجای گذاشته و هزاران نفر بازداشت شده‌اند. از تعداد مجروحان اطلاع دقیقی در دست نیست. علی خامنه‌ای، رهبر بی‌کفایت و مستبد جمهوری اسلامی، بر ضرورت اجرای مصوبه سران سه قوه تأکید کرد و از مسئولان امنیتی خواست که به وظایف خود عمل کنند و عملاً فرمان سرکوب را بی‌پرده اعلام داشت. علی خامنه‌ای در مقابل اوج‌گیری اعتراضات و خطر جدی از سوی مردم جناح‌های رژیم را به وحدت برای تشدید سرکوب دعوت کرد و هر نوع عقب‌نشینی و پس‌گرفتن افزایش ۳۰۰ درصدی بنزین را مردود اعلام داشت. با ادامه اعتراضات و تعرض رژیم به مردم جان به لب رسیده، شعارهای مردم نیز رادیکالیزه گردید و با فریاد «گرانی بهانه است! کل نظام نشانه است!» و «مرگ بر خامنه‌ای!» کلیت ارکان نظام را به چالش گرفت. آغاز این حرکت اعتراضی نشان می‌دهد که جنبش مردم، بویژه پس از سال ۹۶ به این سو، عمدتاً بر پایه معضلات معیشتی آغازیدن گرفت و به سرعت شعله‌ور شد و بیش از صد شهر به پاخاستند. اعتراضات مردم در تهران، اصفهان، شیراز، تبریز، مشهد، بوشهر، سرپل ذهاب، اندیمشک، ارومیه، قم، گرگان، کازرون، کرمانشاه، بهبهان، کرج، قزوین، ساری، خرم‌آباد، شهریار، بابل، کنگان، اسلام‌آباد غرب، بندر ریگ، گجساران

جمعیت‌ها، نهادهای صنفی، اجتماعی، سیاسی انجام پذیرد. «حسن روحانی» بیهوده به مردم انگ می‌زند که اگر اعتراضی دارید آنرا با دولت در میان به‌گذارید و از طریق گفت و شنود اختلافات را حل و فصل کنید! کدام گفتمان سیاسی - اجتماعی؟ حاکمیت، مردم را امین و محرم خود نمی‌داند تا چه رسد به اینکه آنها را در اتخاذ تصمیمات حیاتی جامعه شریک سازد. دولت در خفا پشت درهای بسته به دور از مردم برای آنها تصمیم می‌گیرد و تصمیمات اتخاذ شده مبتنی بر توافقی هر سه قوا را به اجرا می‌گذارد. طبقه حاکمه ایران وقتی اراده اقشار مردم را در امر ایجاد نهادهای اجتماعی، صنفی و سیاسی سرکوب می‌کند، آیا بیهوده نیست از مردم دعوت کرد تا باب گفتمان اجتماعی را به روی دولت به‌گشایند. این دستگاه سرکوب حاکمیت است که همه ورودی‌های به قدرت را بر روی مردم بسته است و کسی جز خودی‌ها به آن راه نمی‌یابد. حاکمیت، مردم را از خود نمی‌داند با او بیگانه است، دشمن است و با دشمن باید جنگید. متأسفانه مردم ما از آن ابزار لازم و کافی برخوردار نیستند تا به مصاف با رژیم روند. راه پیروزی و دستیابی مردم به آزادی و عدالت اجتماعی در گروی **تشکیلات و رهبریست**. اگر قرار است، علیرغم کوتاه شدن فواصل جنبش‌های خودجوش، از این توالی بی‌پایان و خطرناک اعتراضات خیابانی بیرون آئیم، راهی به غیر از رفتن به سوی تشکیلات و رهبری متصور نیست. پرولتاریای ایران تنها طبقه‌ایست که می‌تواند و باید سازمان پذیرد و اعتماد اقشار جامعه را به خود جلب نماید. هر راه دیگری به نتیجه مطلوب نه‌خواهد انجامید، خصوصاً اینکه دشمنان مردم و کشورمان در داخل و خارج در کمین نشسته‌اند تا از فرصت‌ها استفاده کنند، تا مُلک و ملت را یکجا دو دستی در اختیار امپریالیسم و مستبدین دیگری واگذارند. باید هوشیار باشیم و گرفتار اتفاق و تصادف نه‌شویم. آینده از آن زحمتکشان است. •

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

مارکسیسم دست به بایند، تنها می‌تواند از ناآگاهی و بی‌خبری این نیروهای منحرف «چپ» سرچشمه گیرد و یا ناشی از عدم آموزش از تجربه بیش از صد سال مبارزه زحمتکشان و کارگران و توده‌های انقلابی مردم تحت ستم باشد، که هرگونه جریانات انحرافی آنتی‌آتوریت، اکونومیسم و غیره را پس از سال‌ها تجربه‌های تلخ از سر راه خویش برداشته‌اند.

جز این نیست که تمام جنبش‌ها (از مبارزه دانشجویان دانشگاه در ۱۸ تا ۲۳ تیر سال ۱۳۷۸ گرفته، تا جنبش به اصطلاح «سبز» در خردادماه سال ۱۳۸۸ و خیزش دی‌ماه ۹۶ گذشته و همه تظاهرات گوناگون کارگری، آموزگاران، اتوبوس‌رانان، نیشکر هفت تپه ...) تنها قادر گشتند نارضایتی مردم گوناگون و عاصی‌بودن آنان را به صحنه عمل آورند و تغییرات عمدتاً به سود این یا آن جناح و کمتر به نفع توده‌ها صورت پذیرفت. به بیان روشن‌تر مگر غیر از آن است که پیروزی‌های مردم بسیار ناچیز و پیشرفت مبارزات به سود مردم محدود بوده است؟ وجود عنصر آگاه کمونیستی و نقش رهبری، اگر نتواند معجزه‌ای انجام دهد، حداقل قادر خواهد بود که مبارزه مردم را تکامل دهد و آگاهی سوسیالیستی و دانش مبارزه را از لابلای کتب و تجربه‌های بی‌شمار جنبش، به میان مردم، مبارزان و به‌ویژه کارگران بیاورد.

دوم اینکه اگر برای هر عمل اجتماعی احتیاج به فن و دانش خاص آن عمل است و بدون دسترسی به آن انسان ناچار است تجربه چندین هزار ساله بشری را از نو بیازماید، برای کار سیاسی نیز محتاج آموختن دانش سیاسی هستیم. هر نجاری به فن نجاری وارد است و گرنه ناچار است آن را فراگیرد. در سیاست، در انقلاب نیز ما محتاج دانش سیاسی و انقلابی هستیم. محتاج به فراگرفتن مارکسیسم - لنینیسم هستیم و این امر، کسب دانش است که ناچاراً طبقه کارگر آن را از خارج از جنبش خودبه‌خودی طبقه کارگر به درون جنبش وارد می‌کند. تئوری مارکسیسم و سوسیالیسم که یک عنصر ناآشنا و غریبه برای توده‌های وسیع زحمتکشان و به ویژه پرولتاریاست، می‌بایستی از سوی عناصر آگاه و پیشرو کمونیست متشکل در حزب کمونیست، به درون طبقه کارگر، زحمتکشان و سیاست‌های صحیح ناشی از آن به درون این جنبش‌های خودبه‌خودی انتقال یابد. برخی‌ها وحدت «تئوری و عمل»، وحدت دانش مارکسیسم و یا تئوری انقلابی را با جنبش‌های خودجوش به مثابه توهین به مردم و به عنوان دخالت در کار و راه آنان معرفی می‌کنند.

اینان که به تقدس جنبش‌های خودبه‌خودی و عدم دخالت و رسوخ تئوری سوسیالیسم در آنها، این چنین پای‌بندند و آنرا تبلیغ می‌کنند، چرا پاسخ تجربه‌های تاریخی و شکست‌های متعدد این راه را نمی‌دهند؟ چرا عاجزند از اینکه به‌گونه تئوری تقدیس و استقلال جنبش‌های خودبه‌خودی نیز از آن پرولتاریا نیست، بلکه از خارج و از طریق آنان و دیگر تئوریسین‌های

لرستان، نیشابور، قائم شهر، شوش، سلماس، قدس، جاجرد، رشت، یزد، رباط کریم، خمین، سنندج، کامیاران، نیکشهر، سقز، زاهدان، چابهار، مریوان، رودهن، سقز، چابهار، مریوان، شاه‌آباد کرمانشاه... کلیت دستگاه حاکمه را به وحشت مرگ انداخت. نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی اگر چه ابتدا غافلگیر شد، لیکن با فرمان رهبر جنایتکار اسلامی و با بستن اینترنت، تعطیل کردن مدارس و دانشگاه و مسابقات فوتبال و بستن متروها... فرمان سرکوب خونین «اشرار» را صادر نمود و با قاطعیت تمام و باران گلوله بر پیکر جوانان معترض کنترل فضا را در دست گرفت و «پیروزی بر دشمن داخلی» را اعلام کرد!

روشن است بنزین بر آتش خشم مردم ریختن و سرکوب خونین مردم عاقبت خوشی برای رژیم تبهکار و فاسد جمهوری اسلامی نخواهد داشت، حتی اگر اینار هم جان سالم بدر ببرد، باز هم همین مردم محروم، گرسنه و لگدمال شده دوباره به پا خواهد خاست و در صورت رهبری صحیح سیاسی سرانجام رژیم را بر زمین خواهد کوبید.

اعتراضات روزهای اخیر مردم در تهران و سایر شهرهای ایران علیه افزایش سوخت و بی‌توجهی نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به وضعیت معیشتی مردم نشان می‌دهد که فقدان رهبری سیاسی، که چشم‌انداز روشنی به مردم ارائه دهد، به شدت حس می‌شود و عدم توجه به این امر مهم فرجامی جز تکرار شکست‌ها و تلفات سنگین نخواهد داشت. در این عرصه‌ها حزب ما بارها به اظهارنظر پرداخته و نظریات انحرافی و ضدحزبی و ضدتشکیلاتی گوناگون را که استعداد آنها تنها در خرابکاری در جنبش است، به چالش گرفته است:

نخست اینکه متأسفانه هستند سازمان‌ها، احزاب و نیروهائی که به جای طرح مسئله رهبری حزبی و سیاسی جنبش‌های خودجوش و ضرورت عاجل آن، خود به دامان این جنبش‌ها می‌افتند و برآند و یا حتی کوشش‌های و بیهوده می‌ورزند که این جنبش‌ها یا خودبه‌خود به پیروزی نایل خواهند آمد، و یا آنکه از درون آنان بدون وجود رهبری، یک بدیل انقلابی بیرون خواهد زد. در درون جنبش کارگری این وظیفه را اکونومیست‌های قدیم و جدید بر عهده گرفته‌اند. در جنبش‌های خودبه‌خودی، اگر کمونیست‌ها قادر نباشند رهبری را به دست بگیرند و با تکیه به ایدئولوژی سوسیالیسم، آنها را به هدف مطلوب به‌رسانند، این جنبش‌ها تحت تأثیر افکار حاکم بورژوازی به انحراف، سازش و یا شکست کشانده می‌شوند. رهبری کمونیستی به تئوری انقلابی نیاز دارد و این تئوری چیزی نخواهد بود به جز سوسیالیسم. تئوری این حامیان دروغین طبقه کارگر این است که توده طبقه کارگر خودش، خودش را آزاد می‌کند و نیازی به قیم و حزب ندارد!!

این امر که توده عظیم زحمتکشان بدون آگاهی به فن مبارزه سیاسی و قانونمندی‌های تکامل جامعه و مبارزه، خودبه‌خود به



مبارزه مردم برحق است، اما باید هوشیار بود، تا حاصل این فداکاری‌ها به یغما نرود

روشن است که گرانی بنزین، تنها گرانی سوخت نیست. اعلام غیرمنتظره ۳۰۰ درصدی افزایش بنزین در مقام شوکی بود که بر دوش اکثریت مردم فرودست جامعه نیز فرود آمد و موجب خشم و طغیان مردم شد.

بی‌مسکنی و هزینه سرسام‌آور زندگی، گرانی، بی‌ثباتی در شغل و معیشت، سرکوب‌های سیاسی و اجتماعی... اینها همه دلایل مادی و عینی است که در اثر افزایش نرخ بنزین چون جرقه‌ای به شعله بدل شد و در بیش از ۵۰ شهر موجب تظاهرات مردمی گردید.

طبق گزارشات رسیده شماری از تظاهرکنندگان گشته و دهها تن مجروح گشته‌اند. این اعتراضات، که تبلوری از خشم متراکم شده چهل سال سرکوب و تبعیض و اختناق و مصیبت اقتصادی است، نمی‌تواند با توسل به سرکوب و ترفندهای همیشگی خاموش گردد، مبارزه مردم ایران خاموش شدنی نیست.

اما نکته قابل توجه اینکه باز هم طبق معمول، با تظاهرات و اعتراضات خودجوش و محقانه مردم درباره گرانی بنزین اپوزیسیون ارتجاعی و اجنبی‌پرست بلافاصله وارد میدان شد و ریاکارانه حمایت خود را از مبارزه مردم اعلام کرد. اپوزیسیون ارتجاعی ایران با انتشار بیانیه‌ها و توییت‌های رنگارنگ مردم را به ادامه تظاهرات و سرنگونی دعوت کردند، رضا نیم پهلوی

شبهه‌شان وارد آن گشته است؟ شاید بر این باورند که در اثر معجزه‌های تئوری این حضرات، که ناشی از «اراده گرانی» آنان است، تمام قوانین معتبر عینی مبارزه اجتماعی را نفی کند و بیراهه آنان به جای روال عینی تکامل به‌نشیند. لنین می‌گوید: «بدون تئوری انقلابی، نهضت انقلابی نیز نمی‌تواند وجود داشته باشد... نقش مبارز پیشرو را تنها حزبی می‌تواند ایفاء کند که دارای تئوری پیشرو باشد».

نمی‌توان امیدوی چندان برای پیروزی بر دشمن و به دست آوردن قدرت سیاسی (انقلاب) داشت، چنانچه قادر نه‌باشیم حداقل فنون و قوانین مبارزه طبقاتی و سیاسی را به‌آموزیم و آنان را به کار بندیم.

بر اساس این تجارب باید ترویج و تبلیغ کرد که طبقه کارگر به وحدت و تشکیلات نیاز دارد تا به‌تواند جنبش اعتراضی مردم را رهبری کند و به سرمنزل مقصود برساند. حزب کار ایران (توفان) این وظیفه کمونیستی را در دستور کار خویش قرار داده است و بی‌حزبی و سرفروود آوردن در قبال اعتراضات خودجوش و بی‌دورنما را نه تنها راه حل خروج از بحران کنونی نمی‌داند، بل دنباله‌روی از بورژوازی و شکست و بن‌بست سیاسی و به زیان منافع کارگران و زحمتکشان ارزیابی می‌کند. در شرایط بحرانی کنونی، که مردم ایران با فقدان رهبری سیاسی و با دو عفريت داخلی و خارجی روبرو هستند، وظیفه سنگینی بر دوش حزب ما قرار دارد که ضمن تبلیغ حزبيت و تشکیلات، کلیه نیروها و سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی و شخصیت‌های ملی و انقلابی را، که خواهان سرنگونی نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به‌دست مردم ایران هستند و بر علیه مداخلات امپریالیستی و صهیونیستی موضع شفاف و روشنی دارند، به همکاری سیاسی و اتحاد و یگانگی دعوت می‌کند. شکل‌گیری چنین همکاری سیاسی و دمکراتیکی در شرایط کنونی نوبدبخش است و تأثیر مثبتی بر جنبش خواهد گذاشت. راه دیگری متصور نیست. •

پنجشنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۹

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

را از آنها جدا کرد و مستقل و متحد و آگاهانه به مبارزه خود ادامه داد.

حزب کار ایران (توفان) از مبارزه مردم ایران بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و بر علیه گرانی، فساد، دزدی، فقر و فلاکت و سرکوب عمیقاً حمایت می‌کند

حزب کار ایران (توفان) سرکوب و کشتار مردم را شدیداً محکوم می‌کند و همبستگی خود را با خانواده‌های جانباخته ابراز می‌دارد!

سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران فقط به دست مردم ایران!

دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!
 زنده باد سوسیالیسم، این پرچم رهایی بشریت!
 حزب کار ایران (توفان)
 یکشنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۸

و مادرش، فرح پهلوی نیز فرصت را مغتنم شمردند بیانه‌ای در حمایت از مردم صادر کردند تا شاید روزی این اعتراضات تحت رهبری و حمایت امپریالیسم آمریکا به احیای سلطنت گنبدیده و منقرض شده پهلوی منجر گردد. زهی بی‌شرمی!

از سوئی دیگر، «مایک پمپئو»، وزیر خارجه آمریکا نیز در توییته نوشت: «پس از چهل سال بی‌داد، مردم پُرافتخار ایران در مورد سوء استفاده‌های حکومت‌شان ساکت نمی‌نشینند. ما هم ساکت نخواهیم ماند. من پیامی برای مردم ایران دارم: ایالات متحده صدای شما را می‌شنود. ایالات متحده از شما حمایت می‌کند. ایالات متحده با شماست».

حمایت‌های آمریکا، اسرائیل، عربستان و اپوزیسیون بدنام و خودفروخته سیاسی از مبارزه مردم، نه تنها موجب تقویت آن نمی‌شود، بلکه به ابزاری در دست رژیم برای تشدید سرکوب اعتراضات مردم به بهانه مبارزه با نفوذ خارجی و «عوامل استکبار جهان» می‌گردد، همانطور که در دیماه ۱۳۹۶ گردید.

اپوزیسیون ارتجاعی ایران و اربابان امریکائی آنها به این نکته مهم اشاره نمی‌کنند که تحریم‌های غیرقانونی و اقتصادی کمرشکن آمریکا خود یک عامل مهم در به وجود آوردن شرایط بحرانی کنونی است. «پمپئو» طراح این تحریم‌ها و اپوزیسیون خودفروخته سیاسی مهم‌ترین مشوق تشدید تحریم‌ها بوده است. این اپوزیسیون وطن‌فروش و گماشته اجنبی خواهان تشدید این تحریم‌ها بوده و هر روز بر طبل جنگ اقتصادی کوبیده است، به این امید که در نهایت جنگ اقتصادی تبدیل به جنگ نظامی و سرانجام با مداخله آمریکا موجب سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی گردد!

دولت «حسن روحانی» و کل نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی که در اثر تشدید تحریم‌های اقتصادی با کسری شدید بودجه روبرو شدند، به جای تعرض به طبقه بورژوا و زالوصفتانی که با فساد و دزدی جیب مردم را خالی کرده و تحریم‌ها باعث تشدید این نابسامانی‌ها گشته است، با افزایش نرخ بنزین می‌خواهد بخشی از این کسری بودجه را به زیان مردم تأمین کند! رژیمی که غرق در فساد و دزدی است و از مردمش بیش از دشمن خارجی می‌ترسد، توان مقابله با تحریم‌ها و فشارهای خارجی را ندارد و محکوم به شکست است.

مبارزه مردم که خودجوش است و سر ندارد، رهبری انقلابی ندارد و در نتیجه دورنما و چشم‌انداز روشنی هم برای خروج از این بن‌بست ندارد، اگر به خود نه‌یاید و هوشیار نه‌باشد تمام جان‌فشانی‌ها و حاصل مبارزات‌اش توسط کرکس‌ها و لاشخوران بین‌المللی که کمین کرده‌اند، بلعیده خواهد شد و اوضاع از همین هم که هست وخیم‌تر خواهد گشت.

باید هوشیارانه مبارزه کرد و اشک‌های تمساح آدم‌خواران بین‌المللی را به ریشخند گرفت و حساب اهداف و صف خود

با فساد همه گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد



«به زودی سیل ده‌ها میلیون گرسنه ایرانی همه چیز را ویران می‌کند»

«سعید معیدفر»، جامعه‌شناس مقیم ایران در گفتگو با خبرگزاری ایلنا درباره اعتراضات جاری در کشور گفته است که این رویدادها در قیاس با «جنبش سبز» و حتی اعتراضات دیمه ۹۶ تغییر ماهیت داده و علاوه بر جنس سیاسی آنها عاملان شرکت‌کننده در اعتراضات نیز کاملاً تغییر یافته‌اند.

«سعید معیدفر»، گفته است که ویژگی مهم جنبش اعتراضی جاری این است که ثمره اقدام میلیون‌ها گرسنه حاشیه‌نشین است که در دروازه‌های شهرهای بزرگ کشور کمین کرده‌اند و سرخوردگی آنان نتیجه چهل سال سیاست‌های غلط مقامات حکومت اسلامی ایران است. این جامعه‌شناس سپس افزوده است که گرایش موسوم به اصلاح‌طلب حکومت اسلامی نیز چنان بی‌اعتبار شده که توانایی هرگونه تاثیرگذاری بر اعتراض‌های جاری و مهار و هدایت آنها را از دست داده است. (تاکید از توفان است!)

«سعید معیدفر» گفته است: «امروز ما مانده‌ایم با یک اقتصاد ورشکسته، فسادها، تبعیض‌ها و سیاست‌های غلطی که طی ۳۰ الی ۴۰ سال باعث تخلیه روستاها شد. در حاشیه کلان‌شهرهایی که در آنها ثروت و منابع اقتصادی متمرکز شده لشکر گرسنگانی شکل گرفته است که هر روز برای هجوم خواهند آورد و با انگیزه‌تر هستند.»

«سعید معیدفر» سپس ابراز اطمینان کرده که این «لشکر گرسنگان» که به گفته کارشناسان به زودی جمعیتی بالغ بر ۲۴ میلیون نفر را تشکیل می‌دهد به کلانشهرها هجوم خواهند آورد و «باید هر چه زودتر برای آن چاره‌ای اندیشید» هر چند خود «سعید معیدفر» اعتراف کرده که دیگر وقت برای چاره‌اندیشی باقی نمانده، زیرا، به گفته او «نظم و بنیاد اقتصاد و سیاست و فرهنگ و اخلاقیات در کشور از بین رفته است» و همه اصلاح‌طلبان به اتهام‌های دزدی و فساد «بی اعتبار شده‌اند».

«سعید معیدفر» هشدار داده است که در ایران جمعیت «گرسنگان» چنان قدرتی خواهد داشت که هیچ‌کس جلودار آنها نیست» و خلاصه اینکه «کشور و جامعه در مسیر تندبادهای شدید» قرار گرفته است. در چنین شرایطی به گفته «سعید معیدفر» معترضین و گرسنگان «مانند یک سیل همه چیز را ویران خواهند کرد».

در اظهاراتی جداگانه، «فرشاد مؤمنی»، استاد اقتصاد در دانشگاه صنعتی شریف، دیروز یکشنبه سوم آذرماه در یک سخنرانی به استناد به گزارش‌های رسمی حکومت اسلامی ایران گفته است که جمعیت حاشیه‌نشین کشور از مرز ۱۹ میلیون نفر گذشته و تا سال ۱۴۰۰ دست کم به ۲۳ میلیون نفر خواهد رسید. «فرشاد مؤمنی» سپس گفته است که یک سوم جمعیت کل کشور و دو

سوم جمعیت زندان‌های کشور را حاشیه‌نشینان تشکیل می‌دهند. «فرشاد مؤمنی» برای نشان دادن درجه فقر در ایران امروز گفته است که در سال ۱۳۶۷ سرانه مصرف گوشت هر ایرانی در سال ۱۲۲ کیلوگرم بود در حالی که این رقم در سال ۱۳۹۰ یعنی در اوج درآمدهای نفتی دولت احمدی نژاد به زیر ۴۰ کیلوگرم کاهش یافت. «فرشاد مؤمنی» نگفته است که سرانه مصرف گوشت در وضعیت کنونی کشور یعنی در شرایطی که رشد اقتصادی به منفی ۱۰ درصد نزول کرده، چند کیلوگرم است.

با توجه به اعتراضات به حق مردم در آبانماه و کشتار بیش از ۲۰۰ نفر و هزاران مجروح و دستگیری و میلیاردها خسارت مالی، «سید علی خامنه‌ای»، رهبر جمهوری اسلامی جهت جلوگیری از شورش‌های مشابه در آینده طی سخنانی پیامی جز تشدید سرکوب، ارباب و خط و نشان کشیدن برای مردم جان به لب رسیده نداشته است. رهنمود وی برای مقابله با مردم ناراضی چنین است:

«در همه میادین دفاع سخت، نیمه‌سخت و نرم آماده باشد

۱- بسیج در همه میادین دفاع سخت، نیمه‌سخت و نرم آماده‌به‌کار باشد و در همه محله‌های کشور در مقابل حوادث گوناگون راهبرد و تاکتیک آماده داشته باشد.

۲- در هیچ زمینه‌ای غافلگیر نشوید و سعی کنید در همه محله‌ها حضور داشته باشید.

۳- در جنگ نرم عکس‌العملی رفتار نه کنید البته باید پاسخ دشمن را داد، اما همیشه مانند شطرنج‌بازی ماهر یک قدم از دشمن جلو باشید و کنشی عمل کنید.

۴- ارتباطات خود را با مساجد تقویت کنید، چرا که بسیج متولد مساجد است.

۵- با مجموعه‌های همسو با اهداف بسیج در دانشگاه‌ها و خارج از آن، هم‌افزایی و همکاری کنید.

۶- بسیج در عین گستردگی چابک باشد و اسیر پابندهای رایج اداری نشود.

۷- اطلاع‌دادن خدمات بسیج به مردم.

حال آیا رژیم جمهوری اسلامی با چنین سیاست‌های ورشکسته و بحران اقتصادی و ژرفش فقر و شکاف طبقاتی و نارضایتی عمومی می‌تواند به بقاء نکبت‌بارش ادامه دهد و بر خر مراد سوار باشد؟ رژیم در بن بست کامل است و همه شواهد و قرائن خبر از توفان‌های بنیان‌کن می‌دهد. خود را برای تلاطمات آینده آماده کنیم!

کمیسیون تجارت الکترونیکی سازمان نظام صنفی رایانه‌ای تهران برآورد خود از میزان خسارت‌های وارد شده به کسب و کارهای اینترنتی بر اثر قطعی طولانی‌مدت سراسری اینترنت را منتشر کرد... کاهش پرداخت‌های اینترنتی و موبایلی در ۱۰ روز گذشته بیش از ۲۹۵۰ میلیارد تومان تخمین زده می‌شود.

تخمین زده می‌شود کسب و کارهای متوسط و کوچک حوزه با کاهش فروش بیش از ۸۰ درصدی در روزهای قطعی کامل اینترنت روبه‌رو بوده باشند.

۳۰ آبان در اولین واکنش خود به اعتراضات سراسری در ایران، جمهوری اسلامی را «رژیمی بی‌ثبات» توصیف کرد که همزمان با استفاده از خشونت برای سرکوب اعتراضات، اینترنت را به روی مردم قطع کرده است».

این اظهارات مأموران امپریالیسم آمریکا به ضرر مردم ایران و تنها به نفع خودفروختگان است که مبارزات مردم ایران را به نوکران اجنبی وصل کنند. چنین اظهاراتی به نفع جمهوری اسلامی است. امپریالیسم آمریکا و مزدورانش به عنوان عامل خارجی نقش مهمی در تحولات آبانماه بازی کرده‌اند. ما بارها تأکید کرده‌ایم هرچه فشار امپریالیست‌ها، دروغ‌پراکنی رسانه‌ها و جریان‌ات سرسپرده امپریالیستی علیه ایران زیادت‌ر می‌شود، هر چه عربده تهدیدهای آن‌ها افزایش می‌یابد، هرچه دامنه دسیسه‌های آنها برای تجزیه ایران گسترش می‌یابد، هرچه فریادهای جنگ‌طلبی بلندتر می‌شود و محاصره اقتصادی و تحریم‌های کمرشکن دامنه بیشتری می‌یابند، هرچه خواست‌های قلدرمنشانه آنها افزایش می‌یابد به همان نسبت رژیم جمهوری اسلامی در مقابل توده‌ها تقویت می‌شود و سدی بزرگ در برابر تحولات دموکراتیک ناگزیر ایجاد می‌گردد که مردم باید آنرا از پیش پای خویش بردارند. این تهدیدات خارجی همواره مورد سوء استفاده رژیم جمهوری اسلامی برای متحد کردن مردم در پشت سر خود خواهد بود. این تهدیدات ایجاد تمرکز در دستان معدودی را توجیه‌پذیر می‌سازد و جامعه را به جامعه جنگی بدل می‌کند.

در حقیقت امپریالیست‌ها بطور عینی در خدمت تسلط استبداد در ایران هستند و ولایت فقیه را تقویت می‌کنند. زمانی که او‌اما در آمریکا بر سر کار آمد و در ابتدا از تهدیدات قلدرمنشانه جرج بوش دست کشید و مدعی شد که قصد حمله به ایران را ندارد، زمینه خارجی رشد مبارزه دموکراتیک در ایران فراهم شد و ما دیدیم که جنبش دموکراتیک بویژه در خرداد ۸۸ تا به چه حد پا گرفت. بر عکس زمانی که فریاد تهدیدهای اسرائیل افزایش یافت و آمریکائی‌ها مجدداً دست به دامن سیاست تجاوزگرانه جرج بوش شدند، کار جنبش دموکراتیک در ایران با مشکل روبرو شد. این تجربه نشان می‌دهد که تهدیدات نظامی، تحریم‌های اقتصادی و اظهارات ریاکارانه و «دلسوزانه» نسبت به مردم ایران بطور عینی به نفع ارتجاع داخلی و به زیان جنبش‌های اعتراضی و دموکراتیک مردم ایران است و اعمالش در خدمت نظام جمهوری اسلامی تمام می‌شود. این تجربه نشان می‌دهد که امپریالیست‌ها به منافع ملت ایران نمی‌اندیشند، بلکه در پی آن هستند که از فرصت‌ها استفاده کنند، تا از آب گل آلود ماهی بگیرند.

دفع خطر خارجی و رفع تحریم‌های غیرقانونی به نفع جنبش مطالباتی است، شرایط را برای سرنگونی به دست توده مردم فراهم می‌کند. پس دست امپریالیسم آمریکا از ایران کوتاه باد!



اظهارات مأموران امپریالیسم آمریکا به ضرر مردم ایران

«برایان هوک»، رئیس کارگروه اقدام علیه ایران، «این می‌تواند هائی که ما در اختیار ایرانی‌ها قرار دادیم، به بعضی از ایرانی‌ها امکان داد تا بتوانند از این ابزار ارتباطی استفاده کنند و دیدیم که ده‌ها هزار ایرانی از این ابزار می‌انبر استفاده کردند. ابزاری که ما «در طول یکسال و نیم گذشته» کارگزاری کردیم و این اجازه داد که معترضان بتوانند حتی در زمان قطع اینترنت توسط حکومت با هم ارتباط برقرار کنند».

«برایان هوک» گفت: «ما بسیار از نحوه ایستادنمان در کنار مردم ایران خرسند هستیم».

«مایک پمپئو»، وزیر خارجه آمریکا، در مصاحبه اختصاصی با ایران اینترنشنال، شبکه فارسی‌زبانی که با دلارهای عربستان سعودی تأسیس شده است، گفت: «دلیل اصلی اعتراض‌های مردم ایران، سوء مدیریت حکومت این کشور است نه فشار تحریم‌ها». «پمپئو» همچنین دلیل تحریم محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات ایران را نقش او در قطع اینترنت و محروم کردن شهروندان ایرانی از دسترسی به جریان آزاد اطلاعات عنوان کرد. وزیر خارجه آمریکا در بخشی از مصاحبه‌ای که نسخه کامل آن روز شنبه از ایران اینترنشنال پخش خواهد شد، تأکید کرد: «حق ابتدایی هر ایرانی است که آزادانه با دیگران ارتباط داشته باشند». «پمپئو» با اشاره به سرکوب اعتراض‌ها در ایران گفت که حکومت این کشور سعی کرده مردم را از شنیده شدن صدای اعتراض‌شان محروم کند.

وزیر خارجه آمریکا تأکید کرد که «واشینگتن تلاش کرده تا شرکت‌هایی را که به رهبران ایران اجازه می‌دهند دسترسی به اینترنت داشته باشند، ولی مردم را از این امکان محروم کنند متوجه این عملشان بکنند».

«دونالد ترامپ»، رییس جمهوری آمریکا، نیز روز پنجشنبه



سخنی در مورد «خشونت»، قهر انقلابی و قهر ضدانقلابی

طنز تاریخ این است که امروز بسیاری، حتا رژیم سرکوب گر و وحشی جمهوری اسلامی و برخی از «چپ‌های» سابق نیز از «عدم خشونت» سخن می‌گویند و «خشونت» تظاهرکنندگان را مورد پرسش قرار می‌دهند! گرازهای جمهوری اسلامی نیز با «لقب اشرار» سرکوب تظاهرکنندگان را توجیه می‌کنند و به معترضین اندرز مبارزه مسالمت‌آمیز و اعتراض «غیر خشونت‌آمیز» می‌دهند! نخست اینکه اعمال زور دولتی، همان قهر سازمان‌یافته دولتی علیه معترضین بی‌دفاع است. تبعیت از «صندوق بین‌المللی پول»، افزایش نرخ سوخت، اعمال دیکتاتوری اقتصادی بر اکثریت فرودستان جامعه است. مکمل این قهر اقتصادی، قهر ضدانقلابی نظامی است، که باید دهان معترضین را به‌دوزد، تا خود را فاتح این جنگ نابرابر اعلام دارد! جنگی که در یک طرف هزاران معترض غیر مسلح، ناراضی، بیکار و گرسنه و جان به لب رسیده وجود دارد و در طرف دیگر هزاران نیروی مسلح حافظ مالکان و اختلاسگران و سرمایه‌داران بزرگ از زمین و هوا مردم را به گلوله می‌بندند و بنام «اشرار» سینه آنها را می‌شکافند.

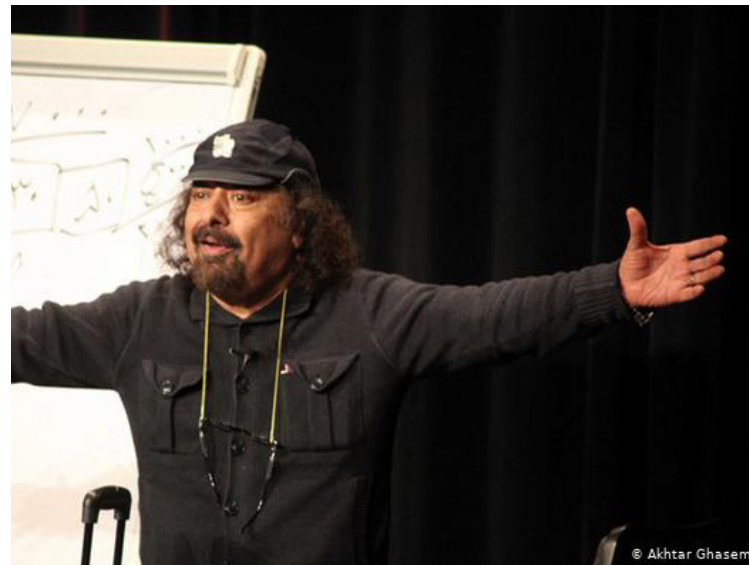
در میان تظاهرکنندگان حتماً عناصر نفوذی مزدور و مخرب یا جوانان عاصی با روحیه آناشستی و ساده‌دل، که از نیروهای ارتجاعی و منحرف خط می‌گیرند، وجود دارد و این فقط شامل حال اعتراضات مردمی ایران نمی‌شود؛ در اعتراضات سایر ممالک ضدنئولیبرالیستی و ضد دیکتاتوری نیز به خاطر فقدان رهبری سیاسی اینگونه عناصر با رفتارهای آناشستی نیز وجود دارد و طبعاً به تکامل و پیشروی جنبش آسیب می‌رساند. اما از این امر نمی‌توان به این نتیجه رسید که می‌توان رژیم جمهوری اسلامی را سرانجام با مبارزات مسالمت‌آمیز تغییر داد و حقوق ملت را از حلقوم او بیرون کشید. بی‌شک چنین تفکری از قهر سازمان‌یافته انقلابی توده‌ها به عنوان مامای انقلاب به شدت می‌هراسد و سازش طبقاتی را در لباس‌های گوناگون تبلیغ و موعظه می‌کند.

باید روشن کرد عمده‌ترین سد تکامل پیشرفت و ترقی مردم ایران حاکمیت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است، که باید

توسط مردم سرنگون گردد و این خواست سوزان، سال‌هاست در تظاهرات و تجمعات به ویژه در اعتراضات گسترده دی ۱۳۹۶ با نفی همه جناح‌های رژیم بیان شد و اکنون نیز با شعار «گرانی بهانه است، کل نظام نشانه است!» بازتاب داشته است و نشان می‌دهد توده مردم امیدی به بهبود اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در چارچوب نظام سرمایه‌داری اسلامی نمی‌بینند و خواهان برچیدن آن هستند. چنین تغییر بنیانی از طریق مسالمت‌آمیز غیر ممکن است. زیرا حاکمیت سرمایه‌داری استبدادی با چنگ و دندان و با قوه قهر از منافع طبقاتی خود دفاع خواهد کرد و در مقابل مردم غیر متشکل، غیر سازمان‌یافته، بی‌سلاح و بدون رهبری خواهد ایستاد، حرف نخست را خواهد زد و در مقابل خواست به حق توده‌ها عقب‌نشینی نخواهد کرد. از این‌روی باید این آموزش را به میان توده‌ها بُرد که راه رستگاری ملت ایران، راه سازمان و تشکیلات و سرانجام برانداختن کلیت نظام با قهر انقلابی است. نیروی پیشرو همواره باید این خط انقلابی را در مقابل خط فرمیستی و رویزیونیستی، که سازش طبقاتی را موعظه و توده‌ها را به تمکین و سازش و صبر و انتظار دعوت می‌کند، قرار دهد، آنها را آموزش دهد و برای تسویه حساب نهایی آماده نماید. طبیعی است که جنبش نباید شتاب‌زده عمل کند، باید با بررسی دقیق اوضاع و توازن قوای طبقاتی مطالبات مشخص سیاسی و اقتصادی را طرح و گام به گام رژیم را به عقب‌نشینی وادارد و سرانجام ضربه نهایی را که آنهم بدون رهبری انقلابی ممکن نیست، بر پیکر رژیم فرود آورد.

متأسفانه جنبش در اثر فقدان رهبری سیاسی از یکسوی و از سوی دیگر تناقضات در طرح مطالبات و خواست‌های تظاهرکنندگان، پخش اخبار هیجانی و جعلی از طریق رسانه‌های امپریالیستی و همچنین عدم توازن قوا، با شکست روبرو شده و همیشه دست‌آورد‌های چنین جنبش‌هایی بسیار ناچیز بوده است. باید آگاهانه و سنجیده عمل کرد و آزادی را کشان‌کشان به دست آورد.

تبلیغ ایده قهر انقلابی به معنی توسل به قهر جدا از توده و درگیر شدن مسلحانه با رژیم در شرایط کنونی نیست. عقل سلیم حکم می‌کند که باید از درگیری قهری زودرس پرهیز کرد؛ زیرا به نفع رژیم و به زیان مردم است. تبلیغ قهر انقلابی در مقابل قهر ضدانقلابی یک خط‌کشی روشن با جریان‌اتی است که با ماهیت فرمیستی و رویزیونیستی خواهان تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی در چهارچوب نظام سرمایه‌داری‌اند و از این طریق با خلع سلاح روحی توده‌ها مبارزات مردم، به ویژه کارگران و زحمتکشان را به بیراهه و شکست می‌کشاند. قهر انقلابی توده‌ها دارای ماهیت تدافعی در مقابل قهر ضدانقلابی است. این به معنای تقدیس عنصر «قهر» در هر شرایط اجتماعی سیاسی نیست. قهر انقلابی و سرنگونی رژیم سرمایه‌داری در جهت استقرار سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا و جامعه کمونیستی است که در آن دولت به عنوان قوه قهریه طبقه حاکمه با زوال طبقات برای همیشه به خواب خواهد رفت. توسل به قوه قهر برای چنین هدف بزرگی است و نه شیف‌تگی به قوه قهر. آنان که به تقبیح «قهر انقلابی» می‌پردازند، عملاً مبلغ قهر و خشونت ضدانقلاب سرمایه‌داری هستند و جز این نیز نمی‌باشند. •



بمباران ضد بشری غزه توسط رژیم صهیونیستی اسرائیل را محکوم می‌کنیم

در ادامه بمباران وحشیانه نوار غزه توسط متجاوزین صهیونیست پیش از ۳۵ کشته صدها تن مجروح شده‌اند. تعدادی از کشته‌شدگان کودکان فلسطینی هستند. خلق مقاوم فلسطین بیش از ۷۰ سال است که علیه متجاوزین صهیونیست می‌جنگد و تاکنون ده‌ها هزار قربانی داده است و کماکان به نبردش علیه اشغالگران صهیونیست برای کسب استقلال ملی ادامه می‌هد و آرام‌نخواهد گرفت.

حزب کار ایران (توفان) گشتار ملت فلسطین را به شدت محکوم و از نبرد عادلانه جنبش مقاومت فلسطین علیه صهیونیست‌ها و اربابان امپریالیست‌اش عمیقاً حمایت می‌کند.

حزب کار ایران (توفان) این جنایت را ضدبشری می‌داند و معتقد است مسئولین آنرا باید در یک دادگاه خلقی بین‌المللی به محاکمه کشید.

زنده باد همبستگی با خلق فلسطین!
ننگ و نفرت بر رژیم صهیونیستی اسرائیل و حامیان‌اش!

حزب کار ایران (توفان)

۲۳ آبان ۱۳۹۸ •

به نفع مردم!

حسن روحانی گفت «افزایش نرخ بنزین به نفع مردم است».

نرخ بالاتر به نفع مردم است

غارت کشور به نفع مردم است

جمع چاقول رئیس دولت و

خدعه رهبر به نفع مردم است

باند آقاها و آقازاده‌ها

ایل غارت‌گر به نفع مردم است

هرچه بیش از پیش تقویت شود

این ژن برتر به نفع مردم است

ضعف مستضعف به سود مملکت

کبر مستکبر به نفع مردم است

نیست گر در سفره‌ها یک نان خشک

چشم‌های تر به نفع مردم است

آدم بافهم و دانش در اوین

شیخ بر منبر به نفع مردم است

این وقاحت‌های جاری بر زبان

های گوش‌کر! به نفع مردم است

باز روحانی سخن سر می‌دهد

لابد این عرعر به نفع مردم است

هادی خرسندی •



بنزین سه برابر شد. و به همین علت اگرچه آبانماه نیز با اعتصاب و راهپیمایی و اعتراضات دیگر شروع شد، ولی با درگیری‌های خونین در اقصی نقاط کشور به پایان رسید که در ذیل به بخشی از آن‌ها نظری می‌اندازیم:

زندانیان جنبش کارگری

«ندا ناجی» از بازداشت‌شدگان روز کارگر هنوز در بند است. از بازداشت‌شدگان روز کارگر یک نفر هنوز حتی به صورت موقت هم آزاد نشده است. فقط در ۶ ماه گذشته صدها نفر از فعالین حوزه‌های مختلف احضار، بازداشت و زندانی شده‌اند. این عزیزان در مجموع به ۱۰۲۷ سال زندان و ۱۵۰۰ ضربه شلاق محکوم شده‌اند. اگر چه بر اثر حمایت از آن‌ها و فعالیت برای آزادی ایشان عده‌ای از آن‌ها آزاد و یا آزادی موقت را به دست آورده‌اند، ولی هنوز بسیاری از آن‌ها در زندان بصری‌برند و یا در انتظار محاکمه در بی‌دادگاه هستند که می‌بایست برای آزادی بی‌قید و شرط تمامی آن‌ها و دیگر زندانیان سیاسی کوشا باشیم و از پای نه‌نشینیم!

۱ آبان

ساعت چهار صبح، پلیس اطلاعات و امنیت شوش به منزل «عماد کتیر»، کارگر نیشکر هفت تپه، هجوم بُرد و ایشان را بازداشت کرد. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه این حرکت ضد انسانی را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری «عماد کتیر» و دیگر بازداشت‌شدگان هفت تپه شد.

«عاطفه رنگریز»، که در اعتراض به رویه‌های غیرقانونی و فراقانونی در طول بیش از ۵ ماه بازداشت خود از تاریخ ۲۴ مهر به اعتصاب غذا دست زده بود، با توجه به پذیرش وثیقه، پس از ۷ روز اعتصاب غذای خود را شکست.

۷ نفر از کارگران بازداشتی آذرآب با قید وثیقه آزاد شده‌اند، اما همچنان از وضعیت سایر کارگران بازداشتی خبری در

در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار و گزارشات کارگری آبانماه ۱۳۹۸

در حالی که در مهرماه اعتراضات و اعتصابات کارگران و مزدبگیران بی‌وقفه ادامه داشت، سیاست‌های نئولیبرالی دولت و امپریالیست‌ها، تحریم‌ها، شکاف‌های طبقاتی، خط فقر، سبد معیشتی، گرانی، تورم، بیکاری و ... فاصله اکثریت مردم زیر خط فقر را با طبقات فوقانی جامعه بیش‌تر کرد و از طرف دیگر مبارزات مردم علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در آبانماه را شدت بیشتری بخشید. آمار به ثبت رسیده از تجمعات اعتراضی در مهرماه امسال، در ۵۹ شهر و منطقه صنعتی از ۲۰۰ اعتراض گذشت. و از آنجایی که حاکمیت نه اراده و نه توان پاسخگویی به مطالبات مردم را دارد و همچنین نمی‌خواهد به وضعیت نابسامان مردم رسیدگی کند، تنها با فریب و سرکوب، تلاش دارد تا سیاست‌های نئولیبرالی دولت و سازمان‌های مالی جهانی را به مورد اجرا بگذارد، اعتراضات و اعتصابات را سرکوب نماید؛ بهشت موعود را برای مستولان و سرمایه‌داران بر روی زمین بسازد و زمینه ورود سرمایه خارجی را فراهم نماید. طبیعی است نظامی که مسئولین آن برای راحتی آقازادگان و نازپروردگان سرمایه‌داران، دست به ایجاد مدرسه‌ها و دانشگاه‌های خصوصی و آنچنانی می‌زنند و حقوق‌های نجومی برای خود و اطرافیان و فرزندان و نور چشمی‌هایشان تعیین می‌کنند، نمی‌توانند سیاست دیگری جز تعیین قیمت اجناس با دلار و تعیین اجرت کارگران و مزدبگیران با ریال اتخاذ کنند. اینان فقط به فکر پایمال کردن حقوق محرومین هستند تا بر روی شانه‌های کارگران و زحمتکشان کاخ‌های خود را بنا کنند. در آبانماه بعد از گرانی نان، گوشت، مرغ، تخم مرغ و دیگر اقلام مصرفی و پایین آمدن قدرت خرید مردم، قیمت

دست نیست.

۳ آبان

«سپیده قلیان»، دانشجوی دامپزشکی دانشگاه دزفول که اخیراً به ۱۸ سال حبس محکوم شده است، از روز یکشنبه ۲۸ مهرماه دست به اعتصاب غذای خشک زد. یکی از مطالبات وی در جریان این اعتصاب، حضور هیأت منصفه‌ای از قوه قضائیه در زندان قرچک و رسیدگی به وضعیت اسفبار این زندان عنوان شده است.

۴ آبان

«ساناز الهیاری»، «امیر امیرقلی»، «عاطفه رنگریز»، «محمدحسین محمدی فر» و «مرضیه امیری» با قرار وثیقه آزاد شدند و مورد استقبال جمع کثیری از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و فعالین کارگری و دانشجویی قرار گرفتند. «سپیده قلیان» نیز با قرار وثیقه از زندان آزاد شد.

وثیقه‌های سنگین برای کارگران و حامیان کارگران! - «اسماعیل بخشی» هفتصد و پنجاه میلیون تومان! - «ساناز الهیاری» هفتصد و پنجاه میلیون تومان! - «امیر امیرقلی» هفتصد و پنجاه میلیون تومان! - «مرضیه امیری» هفتصد و پنجاه میلیون تومان! - «عاطفه رنگریز» یک میلیارد تومان! - «سپیده قلیان» پانصد میلیون تومان! - «عسل محمدی» پانصد میلیون تومان! و این در حالیست که شرکت نیشکر هفت تپه فقط و فقط با مبلغ تقریباً دو برابر میزان وثیقه‌ها یعنی «ده میلیارد تومان» غارت شده است.

۷ آبان

اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن شادباش به خاطر آزادی موقت دستگیرشدگان اول ماه مه، هفت تپه، آذرآب و خانواده‌های ایشان، ادامه بازداشت ظالمانه «ندا ناجی» را که بدون هیچ محاکمه‌ای ماه‌ها، در بازداشت بسر می‌برد، محکوم و خواهان آزادی وی و دیگر بازداشت‌شدگان هفت تپه و دیگر کارگران زندانی شد.

۸ آبان

«اسماعیل بخشی» به طور موقت از زندان اوین آزاد می‌شود. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، آزادی موقت «اسماعیل بخشی» را به خانواده و بستگان او به کارگران هفت تپه و تمام کارگران و مردم زحمتکش، به تشکل‌های کارگری و فعالین و مدافعان کارگران، تبریک و شاد باش گفته و خواستار پایان دادن به پرونده‌سازی علیه کارگران هفت تپه از جمله «علی نجاتی»، عضو سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه شد.

«محمد خنیفر» دیگر نماینده کارگران نیشکر هفت تپه به ۶ سال زندان محکوم شد.

۱۱ آبان

«عسل محمدی» نیز از زندان اوین آزاد شد. سندیکای کارگران

نیشکر هفت تپه ضمن تبریک به خانواده او، کارگران، و فعالین کارگری، خواهان پایان دادن به پرونده‌سازی برای تمامی کارگران و فعالین کارگری و دیگر فعالان در عرصه صنفی و اجتماعی شد.

۱۲ آبان

۱۰۹۵ روز از حبس «محمود بهشتی»، یکی از شریف‌ترین معلمان ایران، گذشت. «محمود بهشتی» در حالی وارد چهارمین سال از دوران حبس خود می‌شود که به علت شرایط بد زندان و اعتصاب غذاهای مکرر در سال ۹۵ نیاز مبرم به خدمات درمانی بیرون از زندان دارد. در حالی که آزادی مشروط شامل این معلم شرافتمند می‌شود، برای چندمین بار با آزادی ایشان مخالفت شده است.

۱۴ آبان

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری نیز ضمن شادباش به خانواده‌های محترم آزادشدگان و تمامی کارگران آگاه، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط «ندا ناجی» و مخومه اعلام شدن پرونده‌های این کارگران و فعالان و همه کارگران حق طلب و زندانی شد.

۱۶ آبان

شماری از فعالان سیاسی و مدنی با انتشار نامه‌ای، ضمن هشدار نسبت به از دست رفتن سلامت «آرش صادقی» و قرار گرفتن او در شرایط خطرناک، که هر لحظه امکان دارد منجر به اتفاق جبران‌ناپذیری شود، خواهان اعزام فوری این زندانی سیاسی از زندان رجایی شهر به مراکز درمانی تخصصی شدند. «آرش صادقی» از سرطان استخوان رنج می‌برد و پزشکان بارها تأکید کرده بودند که شیمی درمانی و عمل جراحی باید با مراقبت‌های ویژه ۲۰ تا ۳۰ روزه در بیمارستان باشد، نگهداری او در زندان مخاطره‌آمیز است.

۱۷ آبان

کانون نویسندگان ایران درباره حکم زندان دو تن از اعضا کانون بیانیه‌ای صادر کرد که در آن آمده است: «در ادامه خشونت‌های گسترده، سرکوب، بازداشت و صدور احکام سنگین برای کارگران، روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق کارگری که در جریان اعتصاب‌ها و اعتراض‌های مسالمت‌آمیز خواستار حقوق و مطالبات خود بودند و پیرو سیاست‌های منکوب‌کننده دستگاه‌های امنیتی و قضایی، در تاریخ ۶ اردیبهشت ۱۳۹۸ علیرضا ثقفی خراسانی، عضو کانون نویسندگان ایران و کانون مدافعان حقوق کارگر و هاله صفر زاده، معلم، فعال کارگری و عضو کانون نویسندگان ایران به همراه هفت تن دیگر از فعالان کارگری در پارک جهان نمای کرج بازداشت شدند، به قرار گزارش‌ها بجز این دو عضو کانون نویسندگان و پروین محمدی، سایر بازداشت‌شدگان پس از ساعاتی بازجویی و آزاد شدند. □ کانون نویسندگان ایران با دفاع از حق ایجاد

امین روز اعتراض، به اخراج همکاران خود، خصوصی سازی شرکت و برای آزادی کارگران زندانی.

۱۱ آبان

حدود صد نفر از کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه امروز صبح یازده آبان، روبروی دفتر مدیریت شرکت جهت دریافت سنوات سالهای ۹۶ و ۹۷ دست به تجمع زدند.

۱۴ آبان

تجمع اعتراضی جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم دریافت مطالبات مزدی خود از جمله حق بیمه و سنوات، در مقابل دفتر مدیریت این شرکت.

۱۵ آبان

تجمع و اعتصاب کارگران کارد به استخوان رسیده نیشکر هفت تپه در مقابل ساختمان مدیریت شرکت در اعتراض به پاسخ نگرفتن مطالبات خود.

۱۷ آبان

تعداد زیادی از کارگران در تجمع اعتراضی و اعتصاب در مقابل دفتر مدیریت شرکت تجمع کردند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرد: این کارگران مانند روزهای قبل بر مطالبات خود تأکید کرده و خواستار احقاق حقوق خود شدند.

اهم مطالبات کارگران هفت تپه بدین شرح است: ۱- پرداخت فوری و بدون قید و شرط حقوق و مزایای معوقه. ۲- توقف فوری تجزیه املاک شرکت و توقف واگذاری هرگونه اموال و املاک به دیگران. ۳- لغو خصوصی سازی و واگذاری شرکت به دولت با نظارت نمایندگان مستقل کارگران هفت تپه. ۴- بازگشت به کار تمامی همکاران اخراجی. ۵- لغو احکام صادره و تعقیب قضایی علیه همکاران و حامیان کارگران.

۱۸ آبان

ششمین روز از دور جدید اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه برگزار شد و تعداد زیادی از کارگران که عمده آنان از بخش کشاورزی بودند، در اعتصاب شرکت کرده بودند.

۱۹ آبان

جمعی از کارگران مجتمع کشت و صنعت هفت تپه که تعدادشان بیش از ۵۰۰ تن برآورد شده است، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، در مقابل دفتر مدیریت این شرکت دست به تجمع زدند.

۲۱ آبان

کارگران بخش کشاورزی مجتمع هفت تپه در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود بار دیگر مقابل محل کار خود تجمع کردند.

۲۲ آبان

بیش از هزار نفر از کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهای خود و همچنین نداشتن امنیت

سندیکا، انجمن، اتحادیه، جمعیت‌ها و دفاع از حق ابراز نظر، اعتراض و آزادی بیان همه افراد و تشکل‌ها، اتهام‌های وارده را به شدت محکوم کرده و خواهان لغو فوری و بی‌قید و شرط حکم‌های صادره است.

۱۸ آبان

سی و یکمین روز نافرمانی «محمد حبیبی»، «فرهاد میثمی»، «برزان محمدی» و «مهدی مسکین نواز» در اعتراض به تضییع حقوق زندانیان در اوین. در پی این اعتراض «محمد حبیبی» و «فرهاد میثمی» ممنوع الملاقات شده اند.

۹ زندانی سیاسی در راستای به دست آوردن امکانات درمانی برای زندانیان سیاسی بیانیه‌ای صادر کردند که در آن آمده است: «همچنین ما زندانیان سیاسی بند ۸ اوین با امضای این بیانیه به عنوان دومین بیانیه مشترک در طول سه ماه گذشته، بر عزم راسخ خود در مبارزه برای تأمین بیمه درمانی زندانیان و درمان آنان در مراکز درمانی مجهز پای می‌فشاریم و بدین وسیله بار دیگر مردم آزاده ایران و نهادهای بین‌المللی حقوق بشری را جهت جلوگیری از وقوع فاجعه‌ای هولناک در زندان‌های کشور به استمداد می‌طلبیم. فردا برای جلوگیری از مرگ خاموش و دردناک هزاران زندانی دیر است.»

۲۰ آبان

«علی نجاتین، عضو سندیکای کارگران هفت تپه و کارگر بازنشسته در دادگاهی فرمایشی محاکمه شد. دو اتهام واهی «علی نجاتی»، «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی و خارجی کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام می‌باشد. بر خوردهای غیرقانونی قاضی «مقیسه» باعث شد که «علی نجاتی» در دادگاه دو بار از قرص زیر زبانی استفاده کند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه برگزاری این دادگاه فرمایشی و ضد کارگری را محکوم کرده و خواهان بسته شدن همه پرونده‌های کارگران هفت تپه شد.

۲۱ آبان

چهار تن از مادران پارک لاله با اسامی «ژیلا مکوندی»، «عشرت بستجانی»، «زهرا رفیعی» و «راحله راحمی پور» توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

۲۲ آبان

«سها مرتضایی»، دانشجوی ستاره‌دار، شب گذشته به همراه «امیر فرصتی»، دانشجوی موسیقی هنرهای زیبا و «نرگس باقری»، از دانشگاه هنر در خوابگاه دانشجویی بازداشت شدند.

هفت تپه

۱ آبان

تجمع و تحصن اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه در سی

عهدشکنی دولت، مجلس و رئیس سازمان برنامه و بودجه، شعارهائی حق طلبانه سر دادند. نیروهای لباس شخصی و پلیس ضدشورش از همان ساعات اولیه در اماکن برگزاری تجمع حضوری پُر رنگ داشتند. در این تجمع قطعنامه‌ای صادر شد که در آن می‌خوانیم: «بدنبال حرکت‌های مطالبه‌گرایانه قبلی و نظر به این که دولت و مجلس همچنان بر عدم اجرای قانون و استمرار تبعیض در حق ما بازنشستگان مُصر می‌باشند، بار دیگر دست در دست هم یکپارچه به مصاف با فرق و تبعیض برآمده و خواستار برقراری عدالت و اجرای قانون هستیم. ... ما باز نشستگان امروز در این مکان در تجمع اعتراضی خود بار دیگر مطالبات خود را طرح کرده و تلاش‌مان را تا رسیدن به همه آنان ادامه خواهیم داد...». نیروهای سرکوب گر امنیتی ۲۰ نفر از بازنشستگان عزیز را دستگیر کردند. شورای بازنشستگان ایران پیرامون لشکرکشی علیه تجمع بازنشستگان بیانیه صادر کرد که در آن آمده است: «... بازنشستگانی که پس از سال‌ها زحمت، با توجه به صندوق‌های غارت‌شده و معیشت چهار برابر زیر خط فقر، وضعیت نابسامان درمان و بهداشت زندگی می‌کنند، چیزی برای از دست دادن ندارند که با این فشارهای سیستماتیک به عقب‌نشینی تن دهند. ما ضمن محکوم نمودن این لشکرکشی شدید علیه بازنشستگان به نهادهای مسئول اعلام می‌داریم که این تعرض آشکار به مطالبه‌گری بازنشستگان بی‌پاسخ نخواهد ماند و تا رسیدن به خواسته‌هایمان، همچنان به پیگیری مطالبات خود ادامه خواهیم داد».

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه حمله به تجمع اعتراضی بازنشستگان در مقابل مجلس را قویاً محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط تمام بازداشت‌شدگان می‌باشد.

۲۱ آبان

جمعی از بازنشستگان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات خود در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی در تهران دست به تجمع زدند که با یورش نظامیان و نیروهای امنیتی و لباس شخصی‌ها سرکوب شد.

آذرآب

۱ آبان

اتحادیه جهانی صنایع با فرستادن نامه‌ای به «حسن روحانی»، از کارگران آذرآب اراک اعلام حمایت نموده و اعتراض خود را به سرکوب کارگران اعلام داشت. در این نامه آمده است: «یک بار دیگر، اتحادیه جهانی صنایع از دولت ایران می‌خواهد تا از استانداردهای اصلی کار ملی و بین‌المللی پیروی کند و به تبع آن، به سرکوب کارگران که از حق قانونی خود برای تجمع مسالمت‌آمیز در ملاء عام استفاده می‌کنند، خاتمه داده و فوراً تمام کارگران آذرآب را آزاد کنید».

شغلی و بازگشت به کار همکاران اخراجی خود، و برچیده شدن بخش فاسد خصوصی، دست به اعتراض و راهپیمایی زدند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از اعتصاب کارگران به جان آمده‌ی نیشکر هفت تپه حمایت می‌کند و خواهان رسیدگی فوری به خواسته‌های کارگران و توقف پرونده سازی علیه کارگران و آزادی بی‌قید و شرط شان می‌باشد.

۲۳ آبان

تمامی بخش‌های کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، در اعتراض به واگذاری شرکت به بخش خصوصی که باعث عدم امنیت شغلی کارگران شده است، و همچنین تمدید و تجدیدنشدن به موقع دفترچه‌های درمانی کارگران و پرداخت‌نشدن بیش از دو ماه دستمزد و عدم بازگشت به کار همکاران اخراجی و در نهایت پایان‌دادن به پرونده‌سازی‌های مختلف علیه فعالان کارگری دست به اعتراض و اعتصاب زدند.

بازنشستگان

دعوت به تجمع اعتراضی در ۱۹ آبان با امضاء بیش از ۳۰ تشکل مستقل شاغلان و بازنشستگان کشوری، لشگری و تأمین اجتماعی. در این دعوتنامه آمده است که: «ما بازنشستگان بار دیگر در مقابل بی‌توجهی مسئولان، در یک حرکت متحدانه، در مصاف با شرایطی بی‌سابقه از فقر و فلاکت احتمالی تجمع خواهیم کرد. ... تنها راه برون رفت از شرایط فعلی اتحاد و یکپارچگی بازنشستگان و همه مزد بگیران حول مطالبات مشترک، با حضور گسترده و خستگی‌ناپذیر در تجمعات و اعتراضات بطور مستمر می‌باشد. در پی فراخوان تجمع گروه‌های بازنشستگان، ما امضاءکنندگان این بیانیه، روز یکشنبه ۱۹ آبان، مقابل مجلس و سازمان برنامه و بودجه گرد هم خواهیم آمد و دادخواهی خود علیه وضعیت غیر قابل تحمل موجود را تا رسیدن به مطالبات به حق‌مان همگام و همصدا فریاد خواهیم زد».

۷ آبان

گروهی از بازنشستگان فولاد در ادامه پیگیری مطالباتی، فراخوانی برای برگزاری تجمع داده‌اند. در این فراخوان از عموم بازنشستگان فولادی و معدنی خواسته شده در تاریخ ۱۲/۸/۹۸ جلوی وزارت تعاون و رفاه در تهران تجمع نمایند.

۱۲ آبان

تجمع جمعی از بازنشستگان فولاد در اعتراض به پرداخت‌نشدن مطالبات معوقه خود در مقابل وزارت تعاون و کار در تهران.

۱۹ آبان

بازنشستگان سراسر کشور با حضور در تجمع اعتراضی به شرایط سخت اقتصادی و معیشتی و بی‌توجهی و بدقولی و

۳ آبان

رئیس شورای اسلامی کار آذرباب از تداوم بازداشت ۳ تن از کارگران این شرکت از میان ۴۱ کارگر بازداشتی این مجموعه خبر داد و گفت یک کارگر دیگر نیز برای روز شنبه به پلیس امنیت احضار شده است. ۲۱ تن از کارگران واحد صنعتی آذرباب در جریان تجمع اعتراضی روز ۲۸ مهرماه که با دخالت نیروهای پلیس به خشونت کشیده شد و تعدادی دیگر نیز پس از احضار در روزهای پس از تجمع بازداشت شده بودند.

۶ آبان

سه کارگر بازداشتی آذرباب اراک با سپردن وثیقه آزاد شدند. بر این اساس تمام ۴۲ کارگر آذرباب که در جریان اعتراضات بازداشت شده بودند، آزاد شدند.

۱۱ آبان

کارگران کارخانه آذرباب در ادامه اعتراضات دامنه‌دارشان نسبت به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی دست به تجمع مقابل ساختمان مدیریت شرکت زدند. اعتراض‌های کارگران آذرباب نسبت به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی و وعده‌های توخالی مسئولان همچنان در این واحد صنعتی ادامه دارد. کارگران آذرباب در راه دست‌یابی مطالباتشان مبنی بر تعیین تکلیف با سهام‌داران و پرداخت فوری حقوق ماه‌های شهریور و مرداد کماکان از رفتن بر سر کار خودداری می‌کنند.

هپکو

۱۴ آبان

بعد از کش‌وقوس‌های فراوان در رابطه با خصوصی‌سازی هپکو و ایجاد مشکلات متعدد برای این شرکت، در نهایت متأسفانه ۱۴ آبان ماه بیش از ۱۲ میلیارد سهم این شرکت تولیدی دوباره به سازمان خصوصی‌سازی واگذار شد و با این کار رژیم اسلامی نشان داد که مرغ یک پا دارد و تصمیمی برای پایان‌دادن به «خصوصی‌سازی» و یا در واقع به «غارت» ندارد و ملاًخوری ادامه خواهد داشت و کارگران می‌بایست به مبارزه متحد و متشکل خود ادامه دهند.

شرکت واحد

۶ آبان

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران با صدور بیانیه‌ای بر خوردهای پلیسی، امنیتی با کارگران نیشکر هفت تپه، هپکو، آذر آب و دیگر بخش‌های کشور را محکوم ساخت و خواستار آزادی بازداشت‌شدگان گردید. در این بیانیه آمده است: «... با خصوصی‌سازی سرمایه‌های کشور را به تاراج برده‌اند و کارخانه‌های بزرگ و مهمی نظیر نیشکر هفت تپه و

هپکو، آذرباب و ... را که از نظر تولید در خاورمیانه مطرح بودند، به ورشکستگی کشانده‌اند و کارگرانی چون «اسماعیل بخشی» را که مخرب‌بودن سیاست‌های خصوصی‌سازی و بی‌لیاقتی مدیران را فریاد زد، به اتهامات واهی به زندان کشانند و از سر استیصال شوهای تلویزیونی ورشکسته برای گمراه کردن مردم براه انداختند. ... سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه خود طعم تلخ سرکوب زندان و پرونده‌سازی و نمایش‌های تلویزیونی از سوی نهادهای امنیتی و صاحبان قدرت را سالیان سال چشیده و با این وجود تا امروز همچنان از حقوق کارگران دفاع کرده است و اتحاد و همبستگی را به خوبی تجربه کرده است. پس به کارگران نیشکر هفت تپه و هپکو و آذرباب نوید می‌دهد در صورت همبستگی و اتحاد قطعاً به خواسته‌های به حق‌تان خواهید رسید. ما باید این واقعیت را بپذیریم که کارگران باید روی خودشان و ایستادگی و مقاومت‌شان حساب کنند، چرا که در چهل سال گذشته ثابت شده است که هیچ اراده و برنامه اقتصادی تاکنون چه از طرف حاکمیت و چه از طرف دولت‌های مختلف برای سامان‌دادن به وضعیت اسفبار معیشتی کارگران وجود نداشته و نخواهد داشت و هرگز روزی نبوده است که از روز قبل وضعیت مزدبگیران و کارگران بهتر شده باشد؛ بنا به درک همین وضعیت، کارگران باید بسوی ایجاد تشکیلات مستقل از کارفرماها و دولت و نهادهای دولتی همچون خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار حرکت کنند تا سازمان‌یافته برای معیشت و زندگی بهتر تلاش نمایند».

فرهنگیان

۱۲ آبان

تعدادی از معلمان حق‌التدریس و نهضت سوادآموزی، در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت استخدامی و وضعیت معیشتی خود، در مقابل مجلس تجمع کردند. آنها خواستار تعیین تکلیف وضعیت‌شان شدند.

تجمع سرباز معلمان در مقابل مجلس

۱۳ آبان

تعدادی از معلمان حق‌التدریس و نهضت سوادآموزی با تجمع در مقابل مجلس خواستار تعیین تکلیف وضعیت‌شان شدند.

۲۳ آبان

بیانیه حمایت بیش از دویست نفر از فعالان صنفی معلمان از آقای «حمید رحمتی»، معلم و فعال صنفی شهرضا.

کارگران دیگر

۱ آبان

در روزهای گذشته تقریباً یک روز در میان، اعتراض کارگران کارخانه کنتورسازی ایران ادامه داشته است. کارگران با انتقاد از

بلا تکلیفی ایجاد شده، خواستار بازگشت به زیرمجموعه دولت هستند و مهم‌ترین مطالبه آن‌ها خلع ید از بخش خصوصی و دولتی شدن مجموعه است.

کارگران شرکت پازن در نسیم شهر در اعتراض به دریافت نکردن ۷ ماه حقوق خود تجمع اعتراضی و اعتصاب کردند.

کارگران فضای سبز شهرداری شاهین شهر در اعتراض به لغو قرارداد با شرکت پسماند و بازیافت شاهین شهر و واگذاری به بخش خصوصی در مقابل ساختمان شورای شهر شاهین شهر در استان اصفهان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

تعدادی از اعضای تعاونی مسکن صنم، مسکن ۱۴۸۳ و خواهان شهرستان سندر و تعاونی مسکن ۱۹۵ نساجی کردستان در اعتراض به عدم تحویل واحدهای خود بعد از ۱۸ سال مقابل استانداری کردستان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

جمعی از کارگران حمل و نقل خلیج فارس، در اعتراض به اخراج شماری از کارگران و همچنین تبدیل وضعیت قرارداد از حالت قرارداد مستقیم به پیمانکاری و عدم پاسخ‌گویی مقامات به خواسته‌هایشان در مقابل فرمانداری شهرستان اسلام‌شهر دست به یک تجمع اعتراضی زدند.

تجمع اعتراضی رانندگان استیجاری شهرداری رشت در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی چهار ماهه خود مقابل ساختمان شهرداری رشت.

۲ آبان

اعتراض کارگران کارخانه آب معدنی داماش نسبت به تأخیر در پرداخت چند ماه از دستمزدشان.

تجمع کارگران فضای سبز منطقه ۱۲ شهرداری شاهین شهر در اعتراض به اخراج دسته جمعی آن‌ها انجام شد. این کارگران که ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه کار دارند، اخراج شده‌اند و به جای آنان بازنشستگان را با نصف حقوق به کار گرفته‌اند.

بیش از ۸۰۰ نفر از کارگران کارخانه کاشی کاژه اسلام‌آباد غرب در اعتراض به تعطیلی کارخانه برای دومین بار طی هفته جاری اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

۳ آبان

تجمع کارگران پتروشیمی فارابی ماهشهر در روزهای اخیر در اعتراض به بی‌توجهی مقامات به خواسته‌هایشان می‌باشد. کارگران با برپایی اعتصاب و تجمع مقابل ساختمان مرکزی این شرکت و سر دادن شعارهای اعتراضی نسبت به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، قطع خدمات رفاهی و اخراج تعدادی از همکاران خود، اعتراض کردند.

۴ آبان

تجمع کارگران روغن نباتی گلنار کرمان در نماز جمعه این شهر در اعتراض به وضعیت معیشتی و دریافت نکردن پنج ماه

حقوق.

کارگران تعمیرات فاز ۱۲ پارس جنوبی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند.

۵ آبان

جمعی از کارکنان بخش خدمات بیمارستان شهید جلیل یاسوج در اعتراض به اخراج خود و همکاران‌شان از کار و همچنین معوقات مزدی، در مقابل ساختمان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان کهگیلویه و بویراحمد، دست به تجمع اعتراضی زدند. این معترضان دیروز و هفته گذشته نیز برای پیگیری مطالبات‌شان تجمع اعتراضی برگزار کرده بودند.

۶ آبان

کارگران راه آهن بندرعباس برای اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه دستمزد معوقه خود دست از کار کشیدند.

اعتصاب کارمندان و کارگران اداره آبفا بندر ماهشهر در پی عدم پرداخت حقوق چند ماهه. عدم پرداخت حق بیمه نیروی رسمی ۴ ماه و نیروهای پیمانکار ۸ ماه.

۷ آبان

تجمع کارگران سازمان عمران زاینده‌رود شهر چادگان در اعتراض به وضعیت قراردادهای سازمان و وضعیت معیشتی کارگران.

تجمع اعتراضی کارگران پایگاه‌های میراث فرهنگی کشور نسبت به بلا تکلیفی شغلی و وضعیت نامناسب معیشتی خود همچنان ادامه دارد. کارگران معترض که بیش از ۷۰۰ نفر هستند از سه ماه پیش تاکنون به بهانه نبود اعتبار هیچ دستمزدی دریافت نکرده‌اند.

۸ آبان

کارکنان و کارمندان بیمارستان خمینی کرج در اعتراض به پاسخ‌نگرفتن مطالبات‌شان، در خیابان بهشتی کرج تجمع کردند و خیابان را بستند.

۱۱ آبان

جمعی از کارگران شاغل و بازنشسته مخابرات تبریز با جمع شدن مقابل مخابرات منطقه آذربایجان شرقی به عدم اجرای قانون اعتراض کردند.

۱۲ آبان

همزمان با صد و چهل و چهارمین جلسه علنی شورای شهر تبریز، کارگران سازمان فرهنگی اجتماعی ورزشی شهرداری تبریز که حدود پنج ماهی می‌شود در این سازمان مشغول به کار هستند، ولی در این مدت هیچ‌گونه حقوقی دریافت نکرده و بدون بیمه کار کرده‌اند، با تجمع در صحن علنی شورای شهر اعتراض‌شان را نسبت به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی به نمایش گذاشتند.

معیشتی خود مقابل استانداری تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۱ آبان

کارگران واحد خدمات موتوری شهرداری شوشتر که به صورت پیمانکاری مشغول کارند، با تجمع مقابل ساختمان شورای شهر خواستار پیگیری وضعیت شغلی و استخدامی خود با کارفرما شدند.

تظاهرات مردمی

اعتراضات به گران شدن قیمت بنزین از روز جمعه ۲۴ آبان ماه آغاز و در روزهای بعد شدت گرفت و گفته می شود کماکان نیز ادامه دارد. تاکنون صدها تن از شهروند کشته و یا زخمی و هزاران نفر نیز در شهرهای مختلف ایران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. اعتراض به گران شدن بنزین در بیش از صد شهر ایران نشان داد که رژیم مقدس! مردم را دست کم گرفته است.

طی روزهای پایانی آبان برخی دانشجویان و فعالان صنفی دانشجویی توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. بنابر اطلاع فعالان دانشجویی در ایران، «سها مرتضائی»، دانشجوی محروم از تحصیل، «امیر فرصتی»، «نرگس باقری»، «ملیکا قرگوزلو»، «کامیار ذوقی»، «علی نانویی» و «محمدامین حسینی» افرادی هستند که تا این لحظه بازداشت و هویت آنها احراز شده است. گفته می شود این بازداشت ها پس از تجمعات دانشجویی و اعتراضات مردمی به گرانی قیمت بنزین، توسط نهادهای امنیتی صورت گرفته است.

«سپیده قلیان» در صف معترضین با پلاکارد «بنزین را ۳۰۰ درصد گران کردید! حقوق ما را اضافه کردید؟» مجدداً توسط نیروهای انتظامی دستگیر شد.

سرویس اینترنت و ارتباط با شبکه جهانی در ایران از روز شب ۲۵ آبان، به دلیل آغاز اعتراضات، از سوی مقامات سرکوب گر حکومت قطع شده است.

کانون نویسندگان ایران روز چهارشنبه ۲۹ آبان در اعتراض به سرکوب مردم معترض بیانیه ای منتشر کرد که در آن آمده است: «برآمدن دوره ای اعتراض های گسترده در ایران گواه حل نشدن مسائل و مصائب مزمونی است که گریبان جامعه را در چنگ گرفته است. هر بار که صاحبان قدرت با استفاده از قوه ی قهریه اعتراض ها را پس زده اند، زمانی دیگر با توان، سرعت و خشم بیشتر سر بر آورده است؛ چنانکه دور تازه ی اعتراض مردم که از ۲۴ آبان آغاز شده به سرعت گسترش یافت و دامنه اش در کمتر از ۲۴ ساعت به ده ها شهر کوچک و بزرگ رسید. ... کانون نویسندگان ایران مقابله ی خشونت بار با آزادی بیان مردم را محکوم می کند و خواهان رهایی همه ی بازداشت شدگان اعتراض های اخیر است و هشدار می دهد: حاکمان به جای تحقیر، تهدید و سرکوب معترضانی که جز فریاد سلاحی

کارگران شرکت مخابرات آذربایجان شرقی در اعتراض به بی توجهی مسئولان این شرکت در رابطه با مطالبات شان در محوطه این اداره دست به تجمع اعتراضی زدند

صدها کارگر پارس جنوبی طی نامه ای سرگشاده خطاب به مسئولان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه) اعتراض خود را نسبت به شرایط اسفناک شغلی و زیستی کارگران پیمان کاری این منطقه، رسانه ای کردند. این کارگران تأکید کردند در صورت عدم توجه به نامه آنها، به تجمع اعتراضی اقدام خواهند کرد.

کارکنان شرکت شایگان مهر آپادانا در سیستان و بلوچستان، در اعتراض به پرداخت نشدن ۶ ماه حقوق و سایر مطالبات خود در محل کارگاه این شرکت تجمع کردند.

۱۳ آبان

تجمع اعتراضی کارگران سازمان عمران در اعتراض به بلا تکلیفی وضعیت قراردادهای کار خود در ورودی دهکده فرهنگی تفریحی عمران زاینده رود برای هشتمین بار.

۱۴ آبان

جمعی از پیمانکاران شهرداری تهران، در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان، در مقابل ساختمان شورای قلبی شهر تهران تجمع کردند.

۱۸ آبان

کارگران پروژه مرمت ارگ قدیم بم در اعتراض به تعویق سه ماه حقوق دست از کار کشیده و محل کار خود را ترک کردند.

تجمع اعتراضی جمعی از کارگران شهرداری پارس آباد به خاطر دریافت نکردن حقوق و مزایای خود در مقابل شهرداری.

کارگران شاغل شرکت آب و فاضلاب روستایی شهرستان مشکین شهر در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود دست به تجمع زدند.

۱۹ آبان

گروهی از کارگران شرکت قند شوش برای دومین روز متوالی در اعتراض به وضعیت شغلی خود و اعزام به مرخصی اجباری خود و همکاران شان توسط کارفرما، در مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۰ آبان

۲۵۰ مهندس صنعت ساختمان استان فارس به نمایندگی بیش از سه هزار مهندس ذی صلاح در مقابل ساختمان مرکزی شهرداری شیراز تجمع کردند.

تجمع اعتراضی و اعتصاب جمعی از کارگران پالایشگاه بید بلند ۲ بهبهان.

کارگران متروی اهواز در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و



برگزاری مراسم یادبود هادی جفرودی

«ای چرخ فلک خرابی از کینه تست
بی دادگری شیوه دیرینه تست
ای خاک، اگر سینه تو بشکافند
بس گوهر قیمتی که در سینه تست»

روز شنبه ۴ ژانویه ۲۰۲۰ (۱۴ دی ماه ۱۳۹۸) از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در سالن «هاوس در کولتور» در آلمان - شهر ماینس گردهم می‌آییم، تا یاد و خاطره هادی جفرودی را گرامی بداریم و مروری داشته باشیم بر زندگی پربار این رفیق، دوست و مبارز ثابت قدم و خستگی‌ناپذیر مخالف دو رژیم سلطنت پهلوی و جمهوری اسلامی ایران که بیش از ۶۰ سال از عمر خود را در راه مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم و رسیدن به سوسیالیسم، تنها راه رهایی بشریت، سپری کرد.

از طرف خانواده، دوستان و رفقای هادی جفرودی

برای ارسال پیام و تماس خواهشمندیم از آدرس و تلفن زیر استفاده کنید.

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۶۴۳۳۰۳۳۰۲

ایمیل:

yadbood.hadi.djafroudi@gmail.com

محل برگزاری یادبود:

Haus der Kulturen Mainz
Wormser Str. 201 ,201
55130 Mainz

ندارند، به حق آزادی بیان آنها تمکین کنند، نیروهای امنیتی و انتظامی را با آلات و ادوات سرکوبگری‌شان از خیابان‌ها جمع کنند و به مردم فرصت اعتراض و بیان خواسته‌هایشان را بدهند».

در حالی که هزینه سالانه مدرسه آقازادگان با «ژن خوک»، حدود پنجاه میلیون می‌باشد و تمامی مسئولان در کاخ‌های آنجانی مشغول عیش و نوشی هستند که برای مردم عادی گناه کبیره و سزاوار عقوبت الهی است، بنزین لتری سه هزار تومانی ارزان نیز می‌باشد و می‌بایست همچنین منتظر گران‌تر شدن آن باشیم. و این آن چیزی نیست که ناراحتی و نگرانی برای مسئولان و سرمایه‌داران داشته باشد که خط فقر از هشت میلیون تومان نیز گذشته است. ولی فشار بیش از حد و طاقت‌فرسای گرانی و بیکاری و بی‌پولی، صبر مردم را به پایان رساند و خشم آنان را موجب گشت و در بیش از صد شهر به پیکاری بی‌امان دست زدند و اگر چه با سرکوبی وحشیانه و خونین روبرو گشتند، ولی نشان دادند که مبارزه مردم جان به لب رسیده وارد عرصه درگیری عیان برای براندازی قدرت زالوصفتان حاکم شده است و دیگر نه تنها به هیچ جناحی چشم امید ندارند، بلکه علیه کلیت نظام به خیابان آمده‌اند. و در همان حال مسئولان نظام سرمایه‌داری اسلامی نیز نشان دادند، همان‌گونه که خیال عقب‌نشینی در زمینه خصوصی‌سازی و اجرای سیاست‌های نئولیبرالی ندارند و می‌خواهند به غارت تمامی اموال مردم این مرز و بوم ادامه دهند، ذره‌ای نیز خیال عقب‌نشینی در مقابل مردم را ندارند و نمی‌خواهند فضایی قابل تنفس به وجود بیاورند. در چنین حالتی چه باید کرد؟ آیا می‌بایست هر از چند گاهی بدون برنامه و بدون تشکیلات و رهبری به خیابان آمد و به تلاشی دست زد که یا هیچ نتیجه‌ای نمی‌دهد و یا امکانی برای نتیجه‌گیری دشمنانی بدتر از جمهوری اسلامی فراهم می‌کند؟ طبیعتاً خیر! بلکه می‌بایست به یگانه امکان صحیح متوسل شد و تشکلات مستقل و سراسری صنفی و سیاسی طبقه کارگر را ایجاد کرد، تا طبقه کارگر و مردم قهرمان و مبارز ایران به صلاح سوسیالیسم مسلح گشته و تحت رهبری سازمان‌های صنفی، سیاسی و خصوصاً حزب طبقه کارگر بساط جنایتکاران جمهوری اسلامی را جاروب کنند و از ورود امپریالیست‌ها و مزدوران‌شان نیز جلوگیری کنند. این تنها راه می‌باشد و راهی دیگر متصور نیست. چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است! •

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است



دست‌ها از بولیوی کوتاه

در حاشیه کودتا در بولیوی

سرانجام پس از فشارهای امپریالیستی، تحریم اقتصادی، خرابکاری‌های تروریستی، به ویژه از سوی دستگاه جاسوسی ایالات متحده آمریکا و رسانه‌های مرتبط و بسیج بخشی از مردم فریب‌خورده و ناراضی به درخواست فرمانده ارتش بولیوی، «مورالس»، رئیس جمهور منتخب این کشور بعد از یک دهه قدرت سیاسی مجبور گشت به خاطر پرهیز از درگیری خونین و کشته‌شدن احتمالی تعدادی از مردم، از پست ریاست جمهوری استعفا دهد.

به گزارش روزنامه نیویورک تایمز، استعفای «مورالس» از قدرت در حالی منتشر می‌شود که وی بعد از ظهر روز یکشنبه در نطقی تلویزیونی از برگزاری انتخابات مجدد در این کشور خبر داد.

«مورالس» در مصاحبه خبری گفت: «تصمیم گرفته‌ام انتخابات سراسری جدید برگزار شود که بار دیگر به ملت بولیوی اجازه رأی‌گیری دموکراتیک در راستای انتخاب دولت جدید را می‌دهد». چندی پیش از این سازمان کشورهای آمریکایی (OAS)، که تحت نفوذ کاخ سفید هستند، از دولت بولیوی خواسته بودند که نتایج انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده در بیستم اکتبر (بیست و هشتم مهر ماه) را ملغی اعلام کرده و به برگزاری انتخابات مجدد تن دهد. نتایج این انتخابات نشان می‌داد که «مورالس» ۴۷،۰۸ درصد آراء و «کارلوس مسا»، رقیب وی ۳۶،۵۱ درصد آراء را در انتخابات ریاست جمهوری بدست آورده‌اند که بدین ترتیب «مورالس» می‌توانست اختلاف ۱۰ درصدی را برای پیروزی در همان دور اول به‌دست بیاورد. به دنبال اعلام نتایج نهایی انتخابات، مخالفان اعلام

کردند که این نتایج را قبول ندارند و دست به اعتراض‌های خشونت‌آمیز زدند. بخشی از معترضان در همین روزهای اخیر با هدایت «اپوزیسیونی» که معلوم نیست سرش به کجا وصل است، به دفتر «تلویزیون بولیوی» و رادیو «پاتریا نوئا» حمله کرده و کارکنان این دو رسانه را مجبور کردند از ساختمان‌ها خارج شوند. این اعتراضات که مورد پشتیبانی امپریالیسم آمریکا قرار دارد، نشان می‌دهند که کودتائی از مدت‌ها قبل برای سرنگونی دولت ملی و مستقل بولیوی که در طی این مدت به ملت خدمت کرده و زیر بار حقارت نه‌رفته و دست رد به سیاست‌های جنایت‌کارانه آمریکا زده است، طرح ریزی شده است. استعفای امروز «مورالس»، شکلی از بیش از ۱۹۰ کودتای نظامی است که در این کشور کوچک رخ داده است و امپریالیسم آمریکا صحنه‌گردان اصلی این کودتا بوده است. حزب کار ایران (توفان) این کودتای آمریکایی را قویاً محکوم می‌کند و همبستگی خود را با رئیس جمهور منتخب و ملت بولیوی اعلان می‌دارد.

- حزب کار ایران (توفان)
- یکشنبه ۱۰ نوامبر ۲۰۱۹ میلادی

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است



دستها از بولیوی کوتاه!

رئیس جمهور خودخوانده و مورد تأیید سیا!

«دونالد ترامپ»، رئیس جمهور آمریکا در بیانیه‌ای ضمن ابراز رضایت از استعفای اوو مورالس (بخوانید کودتا!) تلویحا خواستار وقوع کودتائی مشابه در ونزوئلا و نیکاراگوئه شد. «ترامپ» در این بیانیه ضمن «غیرقانونی» اعلام کردن دولت‌های ونزوئلا به ریاست «نیکلاس مادورو» و نیکاراگوئه به ریاست «دنیل اورتگا»، گفت: «استعفای مورالس زنگ خطر را برای این دولت‌ها به صدا در آورده است».

به نوشته خبرگزاری «رویترز» وی در این بیانیه مدعی شد: «استعفای روز گذشته رئیس جمهور اوو مورالس، لحظه مهمی برای دموکراسی در نیم کره غربی بود. این تحولات پیام محکمی را به رژیم‌های نامشروع در ونزوئلا و نیکاراگوئه می‌دهد که اراده مردم همواره پیروز است».

«مورالس» در واکنش به تکیه «جینه آنز» بر کرسی ریاست جمهوری بولیوی گفت: «این خیانت‌بارترین و وحشتناک‌ترین کودتا در تاریخ است». او افزود: «ساتور دست‌راستی افراطی و وابسته به کودتاچیان، بدون به حد نصاب رسیدن قانون‌گذاران در مجلس و در جمع حامیان‌اش و با کمک نیروهای مسلح و پلیس، که مردم را سرکوب می‌کنند، خودش را رئیس سنا و سپس رئیس جمهور موقت خواند». و ما اضافه می‌کنیم که امپریالیسم آمریکا و همه متحدین آن که از پایمال کردن حقوق ملی و دموکراتیک و تلاش‌های عدالتخواهانه رژیم «مورالس» ابراز شادمانی می‌کنند و وقیحانه عنصر سرسپرده و نئولیبرالی

نظیر «جینه آنز» که به صورت غیرقانونی خود را رئیس جمهور ملت بولیوی نامید، مورد تأیید قرار داده‌اند، مسبب اصلی فقر، فلاکت، کشتار و آدم‌کشی در بولیوی و در سراسر آمریکای لاتین هستند و جنایات‌شان بی‌پاسخ نه خواهد ماند. مردم بولیوی سال‌هاست پی به ماهیت گنبدیده لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم امپریالیستی برده و راه دیگری را برای تحقق حقوق ملی و انسانی خود انتخاب کرده‌اند. مبارزه‌ای که در بولیوی و یا سایر ممالک آمریکای لاتین جاری است، مبارزه‌ای است بر علیه نئولیبرالیسم امپریالیستی، مبارزه‌ای برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و قطع نفوذ امپریالیسم بر سرنوشت ملت. این نبردی است طولانی با اُفت و خیزهای فراوان و در نهایت با پیروزی سوسیالیسم به عنوان تنها پرچم رهائی ملت بولیوی و سایر ملل جهان به عمر انگلی و ضدبشری امپریالیسم و سگان هار بومی‌اش پایان خواهد داد!

زنده باد خلق بولیوی!

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، این بزرگ‌ترین تروریست دولتی جهان، ناقض حقوق ملل و حقوق بشر!



پایانی بر آن نیست. آخرین آمار منتشر شده از (آکسفام) حاکیست که هشت نفر از کلان سرمایه‌داران جهان، نیمی از ثروت دنیا را در اختیار دارند و این ثروت‌اندوزی مرزی ندارد. به عنوان مثال «استیو منوچین»، از اعضای دولت «ترامپ»، که زمانی سرمایه‌گذار گردن کلفت بانک (وان وست) بود، پس از بحران سال ۲۰۰۸، دهها هزار نفر از مردم آمریکا را بی‌خانمان کرد. چنین جانورانی، با جنگ، کشتار، کودتا، توطئه و تحریم، انسان و طبیعت را به نابودی سوق می‌دهند و کشورها را فقیر و فقیرتر می‌کنند، می‌خواهند بر جهان تسلط کامل داشته باشند. با هر کشور مستقل و حتی نیمه مستقل دشمنی می‌ورزند و با حربه «دموکراسی و حقوق بشر و آزادی» تلاش می‌کنند، تا دولت‌های وابسته و مطیع خودشان را بر سر کار بیاورند. و چقدر نادان و یا وطن‌فروش‌اند کسانی که سنگ آمریکای جنایتکار را به سینه می‌زنند.

ریشه همه این تناقضات، عوض کردن مهره‌ها، شاخ و شانه کشیدن‌ها برای مردم آمریکا، اتحادیه اروپا، ناتو، چین و روسیه و زیرپا گذاشتن قراردادهای بین‌المللی و بالاخره زورگویی‌های آشکار و اتخاذ سیاست‌های دو و چند پهلو و متعاقب آن مورد تمسخر قرار گرفتن در مقابل افکار مردم جهان، نشان و حکایت از افول و پایان ابر قدرتی آمریکا دارد! به هر حال هر پدیده‌ای در این کائنات پایانی دارد.

امپریالیسم آمریکا به هر دری می‌زند و هر ترفندی به کار می‌گیرد، می‌بیند در عرصه اقتصادی حریف چین نمی‌شود! کلان سرمایه‌دارانش فهمیدند که دوران «روای آمریکایی» به سر آمده و چاره‌ای بجز جنگ، چه در زمینه اقتصادی و در نهایت نظامی ندارند. با کمی دقت می‌توان دید که در تمام بحران‌های سیاسی و نظامی و در همه جای کره زمین، یک پای ثابت آن آمریکاست! در سخنان «جان ترودل»، شاعر و فعال سیاسی حقیقتی نهفته است، وقتی که می‌گوید: «من به دنبال سرنگونی دولت آمریکا نیستم، دولت شرکتهای این کشور خود در حال سرنگونی خودش است!» علو نه خواهد بود اگر بگوئیم که آمریکا در بحران حل‌نشدنی عمیقی گرفتار آمده. بحران زیرساختی، بحران بیکاری، فساد، مواد مخدر، بیش از دو میلیون زندانی در حبس، درگیری‌های هر روزه مسلحانه، که بی‌شبهت به جنگ داخلی نیست و غیره... اما نباید یک نکته اساسی را فراموش کرد و آنهم هار بودن سیستم سرمایه‌داری آمریکا است. این خصوصیت هاری در ذات همه امپریالیست‌هاست! منافع نظام سرمایه‌داری به خطر بیفتد، آدم‌کشانی مانند هیتلر، موسولینی، فرانکو اسپانیا و پینوشه شیلی را به قدرت می‌رسانند. ولی باید بدانیم که آمریکا هنوز هم بزرگ‌ترین قدرت نظامی دنیاست و بیش از ۸۰۰ پایگاه نظامی در جهان دارد. اگر انسان‌های آگاه و بشریت آزادی‌خواه و عدالت‌طلب برای جامعه بهتر و انسانی‌تر، دست به مبارزه برای رهایی از ظلم و بیداد حکومت‌های مستبد و فاشیست داخلی و پیوند آن با تجاوزات و تحریم‌های ضدبشری امپریالیست‌ها نزنند، بی‌تردید، این بیماری هاری دولت فاشیست آمریکا می‌تواند فاجعه عظیمی برای بشریت و طبیعت ببار آورد و لذا قرن بیست یکم را می‌توان قرن سوسیالیسم یا بربریت نامید! •



امپریالیسم آمریکا، اصلی‌ترین دشمن بشریت!

پس از انتخاب «دونالد ترامپ» میلیاردی به ریاست جمهوری آمریکا، آن هم با حدود ۳ میلیون رأی کمتر از «هیلاری کلینتون» و توسط نظام رأی الکترونال، که اساس آن برای حفظ قدرت برده‌داران در دوران برده‌داری آمریکا پی‌ریزی شده بود، به نظر می‌آید که پس از سالیان دراز صاحبان اصلی شرکت‌های بزرگ، صنایع عظیم نظامی، بانک‌های غول پیکر، سیاست جدیدی اتخاذ نمودند. به این معنی که زمین پس امور کارها و حاکمیت را خود مستقیماً در دست به گیرند و دیگر اجازه ندهند احزاب «دموکرات و یا جمهوری‌خواه» نقش بازیگران صحنه را اجرا نمایند و طبق روال گذشته، هنرپیشه‌های فاشیستی مثل «ریگان» و یا خانواده درجه دو و سه مانند «کلینتون»‌ها و آدم گمنام ولی بسیار «مرموزی» بنام «حسین باراک اوباما» را با صرف هزینه‌های سنگین دلار علم کنند، تا غیرمستقیم مجری سیاست‌های پشت پرده‌ای آنها باشند.

خانم «نائومی کلاین» در کتاب «نه گفتن کافی نیست» به درستی می‌گوید: «... متوجه شدم آنچه در واشنگتن در حال روی دادن است، انتقال معمول قدرت میان احزاب نیست، بلکه تصاحب قدرت آشکار توسط شرکت‌های بزرگ است، همان تصاحبی که ده‌ها سال است که خواهان انجام آن هستند». اکثر کابینه «ترامپ» را آدم‌های میلیاردی تشکیل می‌دهند و به مانند سرمایه‌داران و صاحبان کارخانه‌ها اطرافیان خود را به چشم کارگر و کارمند می‌بینند و مدام در حال عزل و نصب‌شان‌اند. این مولتی‌میلیاردرها به دنبال چه چیزی هستند؟ پول و باز هم پول. سهم بیشتر از ثروت جهان. غارت و استعمار کشورهای دیگر. برای کسب بیشتر ثروت، انسان و طبیعت را حاضرند نابود کنند که دارند می‌کنند! سود بیشتر و پول بیشر در ذات نظام سرمایه‌داریست که هرگز

اسلامی نیز به خاطر دفاع از عقاید و ادامه مبارزه سیاسی مورد پیگرد قرار گرفت و مجبور به جلائی وطن شد، تا به مبارزه خود ادامه دهد.

این رفیق قبل از اسارت، در زمان اقامت در اروپا، عضو «کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی» بود و در زندان شاه نیز با هیأت‌های اعزامی حقوق بشر از طرف کنفدراسیون جهانی در باره اوضاع زندان بدون واهمه صحبت می‌کرد. رفیق هادی جفرودی در زمانی که شاه به مونیخ آمده بود و از موزه «آلته پیناکوته» دیدن می‌کرد، به عنوان عضو کمیته تدارک آکسیون‌ها در تمام نمایشات اعتراضی شرکت داشت و سر خود را به زیر چرخ جلوی ماشین پلیس مونیخ قرار داد، تا آنها را از حرکت بازداشته و مجبور کند رفقای دستگیر شده را آزاد کنند. پلیس مونیخ از این همه شهامت شگفت‌زده شده بود و به خواسته معترضان تن در داد. روزنامه‌ها نوشتند که شاه ایران به‌قدری ناراحت بود که به تابلوهای با ارزش موزه «آلته پیناکوته» با عینک دودی نگاه می‌کرد.

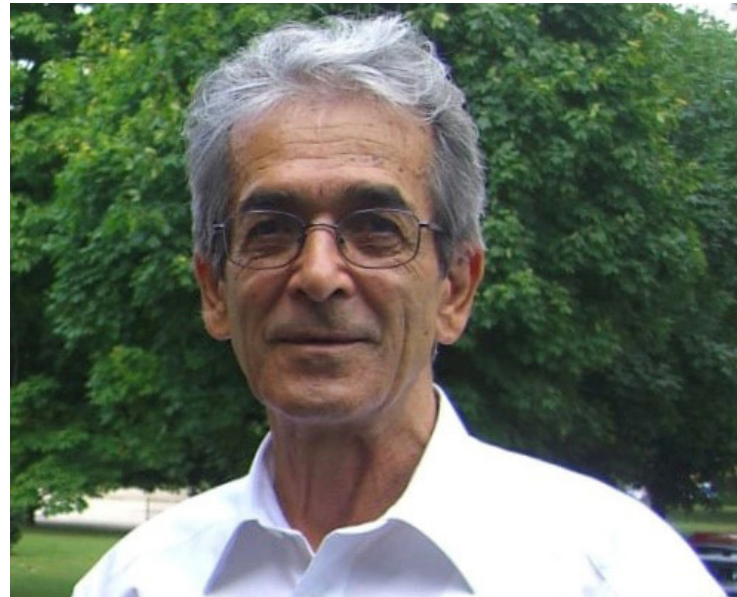
یاد این رفیق گرامی باد.
حزب کار ایران (توفان) •
۴ نوامبر ۲۰۱۹ •



بعد از آزادی از اسارت



نفر اول از سمت راست با نقاب تا مورد شناسائی ساواک قرار نگیرد



اطلاعیه حزب کار ایران (توفان)

به یاد آنان که هرگز از خاطره

نمی‌روند

خبر کوتاه بود، توفان یکی از بنیانگذاران خود را از دست داد. در غروب روز ۴ نوامبر ۲۰۱۹ رفیق هادی جفرودی یکی از پایه‌گذاران تشکل ما، رفیق ما، زندانی سیاسی سابق، چهره شناخته شده اپوزیسیون، در غربت، به دور از مام میهن، در مهاجرت، در شهر پاریس، زندگی مشحون از مبارزه خویش را پشت سر گذاشت و به ابدیت پیوست.

رفیق هادی جفرودی به شهادت دوست و دشمن از چهره‌های مقاوم و سرشناس زندانیان سیاسی دوران شاه در ایران بود. این رفیق در دوران جوانی به عضویت «سازمان جوانان حزب توده ایران» درآمد و در زمان سقوط حزب توده ایران به دامان روزیویونسم خروشچفنی، در کنار رفقا قاسمی و فروتن مانند سایر همزمانش «سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان» را بنیاد گذارد و به عنوان عضو هیأت مرکزی این سازمان برای ادامه کار انقلابی از تحصیل خود گذشت و راهی ایران شد. وی در ایران تشکیلات وسیعی ایجاد کرد که مورد دستبرد ساواک قرار گرفت و وی به اسارت دشمن درآمد. در تمام طول زندان در زیر شکنجه مقاومت نمود و حاضر نشد مانند خودفروختگان و دورویان به مصاحبه تلویزیونی دست زند و از کرده‌های خویش تبری جسته و طلب عفو نماید. در دادگاه نظامی چون کوهی در مقابل اتهامات دادستان ایستاد، از نظریات خویش دفاع کرد و به ده سال زندان محکوم شد.

هادی پس از آزادی از زندان در آستانه انقلاب، شاهد سقوط زندانبانان خویش بود و در ایران به «سازمان کارگران مبارز ایران» که بخشی از توفان بود پیوست و تا روز آخر به ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم وفادار ماند. وی در دوران سلطه جمهوری

اسامی ۲۷ تن از جانباختگان اعتراضات سراسری آبان

تعداد جانباختگان اعتراضات آبانماه رو به افزایش است. طبق گزارش وبسایت «کلمه» تعداد کشته شدگان به ۳۶۶ نفر رسیده است.

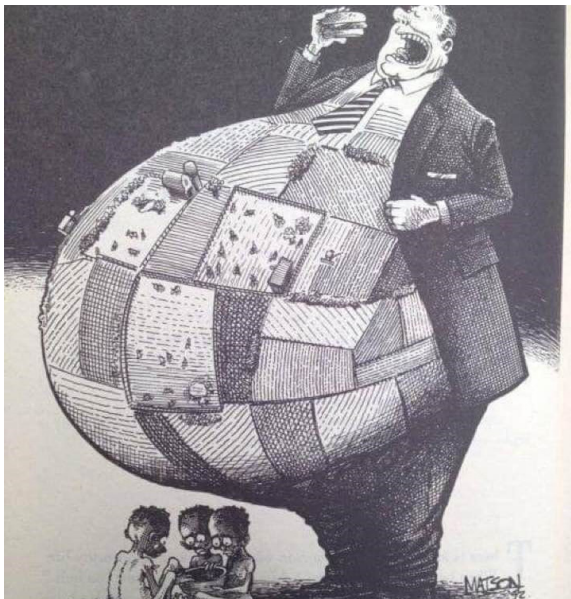
رژیم تبهکار جمهوری اسلامی همه شبکه‌ها را بست؛ مدارس و دانشگاه‌ها را تعطیل کرد، تا کشتار جمعی مردم را عملی کند. رژیم تاکنون از اعلام دقیق تعداد قربانیان پرهیز کرده است.

نگ و نفرت بر رژیم جلاد جمهوری اسلامی!

آبانماه به شرح زیر است:

- ۳۴- شهریار - تهران - یارمحمدی
- ۳۵- بهارستان - تهران - فاطمه حبیبی
- ۳۶- بهارستان - تهران - گل آقا نوری
- ۳۷- قدس - تهران - حسین شهبازی
- ۳۸- قدس - تهران - جواد بابایی
- ۳۹- قدس - تهران - ... علیزاده (مرد)
- ۴۰- اهواز - محمدرضا عسافی زرگانی
- ۴۱- اهواز - حمزه سواری
- ۴۲- اهواز - میثم مجدم
- ۴۳- اهواز - رضا عطیه النیسی
- ۴۴- بهبهان - محمدحسین قنواتی
- ۴۵- بهبهان - مهرداد دشتی زاده
- ۴۶- بهبهان - احسان عبدالله نژاد
- ۴۷- بهبهان - محمود دشتی زاده
- ۴۸- بهبهان - احمد حشم دار
- ۴۹- بهبهان - شبنم دینانی
- ۵۰- بهبهان - ... تدین
- ۵۱- بهبهان - فرزاد انصاری (فرزاد تز می پور)
- ۵۲- خرمشهر - میثم منیعات
- ۵۳- خرمشهر - میلاد حمیدآوی
- ۵۴- خرمشهر - میثم عبدالوهاب عدگی پور
- ۵۵- خرمشهر - خالد منیعات
- ۵۶- خرمشهر - علی غزلآوی
- ۵۷- خرمشهر - ابراهیم مطوری
- ۵۸- رامهرمز - هادی قربانی
- ۵۹- رامهرمز - ... موسوی
- ۶۰- شوشتر - احمد موسوی جعاوله
- ۶۱- آبادان - علی بغلانی
- ۶۲- ماهشهر - ... حطاوی
- ۶۳- ماهشهر - قاسم باوی
- ۶۴- ماهشهر - محمد خالقی
- ۶۵- ماهشهر - عدنان هلالی
- ۶۶- ماهشهر - مجتبی عبادی
- ۶۷- ماهشهر - منصور دریس
- ۶۸- ماهشهر - عباس (رضا) عساکره
- ۶۹- ماهشهر - احمد خواجه آلبوغلی
- ۷۰- ماهشهر - محمد خالدی
- ۷۱- ماهشهر - علی خواجه آلبو علی
- ۷۲- ماهشهر - حمید شیخانی
- ۷۳- ماهشهر - خانم عتیقی
- ۷۴- شیراز - مهدی نکویی علی آبادی
- ۷۵- شیراز - رضا جعفری
- ۷۶- شیراز - مجید هاشمی
- ۷۷- شیراز - عبدالله قویمی
- ۷۸- شیراز - ... پارسایی
- ۷۹- شیراز - ... پارسایی
- ۸۰- شیراز - جانفشان اسدی
- ۸۱- کلار - شیراز - رسول قویمی

- ۱- تهران - مینا شیخی
- ۲- تهران - گلناز سمسامی
- ۳- تهران - علی مرادمنش
- ۴- تهران - علی ده دلیر
- ۵- تهران - پیمان نوری
- ۶- تهران - یاشار علیزاده
- ۷- تهران - ولی الهی
- ۸- تهران - موسی شاهسوند
- ۹- تهران - علی شاهسوند
- ۱۰- تهران - حسین یامی
- ۱۱- تهران - سعید یوسفی
- ۱۲- تهران - حمزه شاهسوند
- ۱۳- تهران - خسرو بختیاری
- ۱۴- تهران - علی بهبودی
- ۱۵- تهران - فریدون کاظمی
- ۱۶- تهران - سجاد باقری
- ۱۷- تهران - عبدالله آجرلو
- ۱۸- تهران - حسین عیسوند
- ۱۹- اسلامشهر - تهران - ایمان رسولی
- ۲۰- اسلامشهر - تهران - محسن جعفرپناه
- ۲۱- اسلامشهر - تهران - آرش کهزادی
- ۲۲- اسلامشهر - تهران - محمد مهدی حقگوی
- ۲۳- شهریار - تهران - رضا حسن وند
- ۲۴- شهریار - تهران - ابراهیم محمدپور
- ۲۵- شهریار - تهران - آزاده ضربی
- ۲۶- شهریار - تهران - مهدی پاپی
- ۲۷- شهریار - تهران - حسین قدمی
- ۲۸- شهریار - تهران - مهدی دائمی
- ۲۹- شهریار - تهران - احسان شیری
- ۳۰- شهریار - تهران - میلاد نجهوند
- ۳۱- شهریار - تهران - ... مومنی
- ۳۲- شهریار - تهران - علی الله امینی
- ۳۳- شهریار - تهران - قاسم رضایی



اسامی ثروتمندترین سرمایه‌داران ایران

اولین فرد حسین «ثابت بکناش»، گول گردشگری ایران، صاحب هتل داریوش کیش که معماری آن به سبک تخت جمشید است. صاحب گروه هتل‌های ثابت است. آقای ثابت تا پنج سال پیش در جزایر قناری هفت هتل (هفت هزار تخت) داشته است. در کیش به غیر از هتل داریوش چهار هتل «لاله» و «هلیا» و «پانید» و «تماشا» را صاحب است او همچنین کلنگ ساخت هتل هفت ستاره «کوروش» در کیش را زده است. این هتل تمام تجهیزات آن با انرژی خورشیدی کار می‌کند و در خاورمیانه حرف اول را می‌زند. حسین ثابت هم بزرگ‌ترین شرکت هتلداری اسپانیا را صاحب است و خود او نیز در یکی از دو جزیره اختصاصی خود در جزایر قناری زندگی می‌کند. سن او هم اکنون هفتاد سال است.

دومین فرد ثروتمند ایران: «محمد جابریان»، امپراتور و گول صنعت فولاد ایران.

برآورد ثروت این فرد بالغ بر پنجاه هزار میلیارد تومان است. او حدود هفتاد درصد سهام فولاد ایران را در اختیار دارد و فولاد بکار رفته در برج میلاد تهران از کارخانه‌ها و شرکت‌های او تأمین شده است.

سومین فرد ثروتمند ایران: «محمد صدر هاشمی نژاد»، مخ بیزنس ایران هست او اولین بانک خصوصی ایران، یعنی بانک اقتصاد نوین را تأسیس کرد و هم اکنون رئیس هیأت مدیره بانک‌های اقتصاد نوین کل کشور است. همچنین او مالک و رئیس بزرگ‌ترین شرکت ساختمان‌سازی ایران، یعنی «استراتوس» هست. ثروت او را بالغ بر چهل هزار میلیارد تومان تخمین زده‌اند.

چهارمین ثروتمند ایران: «اسدالله عسگر اولادی»، گول صادرات خشکبار و پسته ایران و رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین هست در محافل غیر رسمی می‌گویند که چینی‌ها اعتبار این فرد را از رئیس جمهور بیشتر می‌دانند و به خاطر او هست که رابطه اقتصادی با ایران

- ۸۲- سنندج - مظفر صیفی
 - ۸۳- سنندج - علی بغلانی
 - ۸۴- بوکان - شلیر دادوند
 - ۸۵- بوکان - هیوا نادری
 - ۸۶- مریوان - مهران تاک
 - ۸۷- مریوان - بهروز ملکی
 - ۸۸- مریوان - عثمان نادری
 - ۸۹- مریوان - دانیال استواری
 - ۹۰- مریوان - ادریس بیواره
 - ۹۱- مریوان - عثمان احمدی
 - ۹۲- مریوان - آربین رجبی
 - ۹۳- جوانرود - حمزه نقدی
 - ۹۴- جوانرود - یونس هوشنگی
 - ۹۵- جوانرود - کاوه رضایی
 - ۹۶- جوانرود - جبار تجاره
 - ۹۷- جوانرود - سلمان رحمانی
 - ۹۸- جوانرود - کاوه محمدی
 - ۹۹- جوانرود - براهیم مرادی
 - ۱۰۰- جوانرود - مبین عبداللهی
 - ۱۰۱- جوانرود - عمران ولیدی
 - ۱۰۲- کرمانشاه - مظفر ظهیری
 - ۱۰۳- کرمانشاه - نادر بیرانوند
 - ۱۰۴- کرمانشاه - محمد میرزایی
 - ۱۰۵- کرمانشاه - مظفر وطن‌دوست
 - ۱۰۶- کرمانشاه - یونس عزتی
 - ۱۰۷- کرمانشاه - مصطفی فرزانی
 - ۱۰۸- کرمانشاه - نادر بیژنوند
 - ۱۰۹- کرمانشاه - نعمت حسینی
 - ۱۱۰- کرمانشاه - مصطفی باکری
 - ۱۱۱- کرمانشاه - عبدالله شاه‌آبادی
 - ۱۱۲- کرمانشاه - منصور فخری
 - ۱۱۳- کرمانشاه - احمد منصوری
 - ۱۱۴- کرمانشاه - فرامرز رحیمی
 - ۱۱۵- کرمانشاه - عبدالرضا شیرزادی
 - ۱۱۶- کرج - شهرام معینی
 - ۱۱۷- کرج - امیر شکری
 - ۱۱۸- پردیس کرج - امید صالحی
 - ۱۱۹- پردیس کرج - آشور کلنا (هموطن مسیحی)
 - ۱۲۰- پردیس کرج - پدram جعفری
 - ۱۲۱- ملارد کرج - هادی سرتیپی
 - ۱۲۲- مهرشهر کرج - حمید رسولی
 - ۱۲۳- تبریز - علی حسینی
 - ۱۲۴- سیرجان - روح‌الله نظری فتح‌آبادی
 - ۱۲۵- گرمسار - حسن طاووسی
 - ۱۲۶- اردبیل - سیدعلی فتوحی کوهساره
 - ۱۲۷- لنگرود - پژمان
- این لیست در حال تکمیل است •



پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: ایران در عراق چه می‌کند، دشمن عمده مردم عراق ایران است یا آمریکا؟

پاسخ: دوست عزیز، حتماً مطلع هستید امپریالیسم آمریکا با بی‌اعتنایی به تمام موازین و توافقنامه‌های بین‌المللی و با دروغ‌های آشکار و اتهامات بی‌اساس کشور مستقل عراق را که زیر بار فرمان این جنایت‌کاران بین‌المللی نه‌رفت و از حق حاکمیت خود به دفاع برخاست، مورد وحشیانه‌ترین حملات نظامی قرارداد و با ویرانی تمام زیرساخت‌های این کشور را به روز سیاه نشانید. رژیم جمهوری اسلامی نیز به همدست آمریکا بدل شد، مداخله آمریکا و سرنگونی رژیم «صدام حسین» را مورد تأیید قرار داد. چنین سیاست خائنانه‌ای به وحدت و دوستی خلق‌های ایران و عراق آسیب رسانید و پس از چندی خود نیز در لیست کشورهای «محور شرارات» مورد آماج حملات آمریکا، تشدید تحریم‌ها و سرنگونی قرار گرفت. امپریالیسم آمریکا مسبب اصلی ویرانی عراق و همه فجایع این کشور است. نقش سایر کشورها در عراق از جمله ایران، فرعی‌اند و نه اصلی. بیش از ۳۰ کشور در عراق مداخله کردند، اما عمده‌ترین قدرت سیاسی و نظامی که عراق را ویران ساخت، آمریکا بوده است و هنوز هم هست.

دولت جمهوری اسلامی پس از تهدیدات آمریکا برای سرنگونی او تلاش بازدارنده‌ای را در جهت نزدیکی با رژیم عراق در درون خاک این کشور آغاز کرد، تا در صورت حمله احتمالی به ایران تعرض ارتش آمریکا را خنثی کند. امروز تمام تلاش آمریکا خنثی کردن این سپر بازدارنده در عراق،

دارند. صادرات او سالانه بیش از صد میلیون دلار است و ثروت او را سی و پنج هزار میلیارد تومان تخمین زده‌اند.

پنجمین ثروتمند ایران: «حاجی رضا علاءالدین»، غول تکنولوژی ایران و امپراطور موبایل و گوشی تلفن همراه ایران صاحب بازار بزرگ علاءالدین در تهران و مالک تمام سرفصلی‌های مغازه‌های این بازار معروف تهران هست. گردش مالی روزانه در این بازار بالغ بر یک میلیارد تومان است. ثروت این فرد بالغ است بر بیست هزار میلیارد تومان.

ششمین ثروتمند ایران: «علی انصاری»، غول بازار مبل ایران و صاحب بخش‌های عظیمی از زمین‌های یافت‌آباد تهران و رئیس گروه اقتصادی «تات» هست. لازم به ذکر است که انصاری تا دو سال پیش عضو هیأت مدیره باشگاه استقلال بود و هم اسپانسر این باشگاه با نام بازار مبل ایران در اختیار او بود.

هفتمین فرد ثروتمند ایران: «حسین هدایتی»، سهامدار بزرگ در بازار مبل ایران و مالک صنایع استیل آذین و کارخانه‌های ورق و فولادسازی و بزرگ‌ترین مرکز پرورش میگو از آن اوست. همچنین برج‌سازی در دبی و ساخت وسایل تزئینی اکثر برج‌های دبی در اختیار اوست. همچنین از او به عنوان عابر بانک باشگاه پرسپولیس نام می‌برند به طوری که در یکی از بانک‌های دبی حدود دو هزار میلیارد تومان حساب دارد و در بانک‌های ایران حتماً بیشتر از این مبلغ هست.

هشتمین ثروتمند ایران؛ «محمد رضا نجاتی»، ۳۲ ساله، اهل ارومیه، مالک ۱۰ نفت کش، ۱۰ برج در تهران، سهام دار ۳ بانک، هفتصد آپارتمان در تهران، دویست آپارتمان در اصفهان، ده هزار متر ویلا در شمال، سهامدار کارخانه شیشه در همدان. بعضی از نزدیکانش گردش پول این شخص را ۵۰ میلیارد در روز می‌دانند او علاقه زیادی به مسافرت ندارد و بیشتر در ارومیه می‌گذراند. به دلیل مسایل امنیتی گاهی با اتوبوس و پیاده رفت و آمد می‌کند. بعضی‌ها او را از غول‌های ثروتمند ایران به شمار می‌آورند، به طوری که شرکت چینی‌ها به اعتبار او احترام می‌گذارند. با توجه به ادله‌های موجود این فرد بیش از بیست هزار میلیارد تومان ثروت دارد. او ۳۲ ساله و مجرد می‌باشد.

اینها فقط چند نمونه از انباشت ثروت است که در دست تعدادی از سرمایه‌داران متمرکز شده است. این ثروت عظیم ناشی از ذات و هنر و زیرکی فردی نیست، مولود نظام سرمایه‌داری ایران است که با پشتوانه و حمایت دستگاه حاکم، رانت‌خواری و اختلاس و دزدی‌های «شرعی» بر حسب «قوانین اقتصادی بازار آزاد نئولیبرالی» رها از قید و بند دست‌پاگیر دولتی بدست آمده است.

ماهیت نظام‌های اقتصادی و سیاسی را نه بر اساس شکل ظاهر آن، شکل مذهبی یا سکولار، بلکه ایدئولوژی و نوع مالکیت و قوانین حاصل از آن باید سنجید و مورد تبیین قرار داد.

نظام سرمایه‌داری ایران سوای تفاوت‌های روبنایی جدا از سایر نظام‌های سرمایه‌داری در جهان نیست.

نظام غیر ایدئولوژیک دروغ سردمداران نظام سرمایه‌داری است که نظام تحت رهبری طبقه کارگر را ایدئولوژیک و خود را غیر ایدئولوژیک تبلیغ و به خورد توده مردم می‌دهند.



لبنان و سوریه است، تا بتواند به اهداف درازمدت خود دست یابد. باید تأکید شود هیچ کشوری حق مداخله در امور داخلی کشور عراق را ندارد. عمده‌ترین قدرتی که بر تمام هستی عراق چنگ انداخته است، نفت‌اش را غارت می‌کند، دارای چند پایگاه نظامی است و دارای ۲۰ هزار پرسنل جاسوسی در هیئت سفارتخانه و روابط دیپلماتیک در خاک عراق است، ایالات متحده آمریکا است. آمریکا برای یکدست کردن سیاست داخلی و منطقه‌ای دولت عراق داعش را به سوی بغداد سوق داد، تا بلکه از این طریق حکومت عراق را به آن سوئی که می‌خواهد سوق دهد. این سیاست نیز با شکست روبرو شد. با شما موافقیم که در عراق قدرت مستقلی شکل نه‌گرفت، اما گرایش دولت عراق به سوی ایران، روسیه، چین و سوریه سیاستی است که موجب نگرانی آمریکا شده و امروز تمام تلاشش در جهت تغییر چنین سیاستی است.

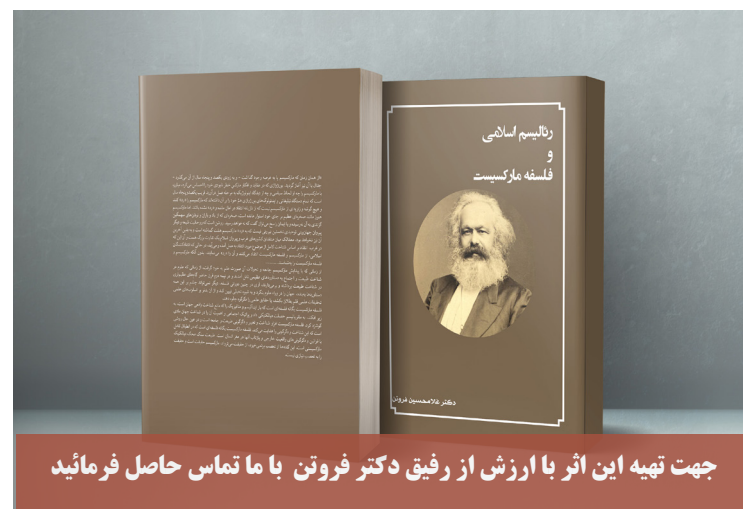
گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به چند پرسش

پرسش: آمریکا از منافع ملت و مردم خودش در سطح جهان دفاع می‌کند، ولی رژیم جمهوری اسلامی فقط از منافع خودش و نه مردم ایران. دلیل مخالفت شما با آمریکا چیست؟

از این‌روی مبارزه مردم عراق باید ضمن متمرکز شدن علیه فساد، فقر اقتصادی، تبهکاری‌ها، جنایات و مصیبت‌های جاری به سوئی تکامل یابد که دشمن عمده را از خاکش اخراج و در این بستر دست هر کشور دیگری، از جمله ایران را نیز از کشورش کوتاه کند و کاملاً مستقل عمل نماید. متأسفانه پیچیدگی اوضاع عراق بسیاری را به دنباله‌رو رسانه‌هایی بدل کرد که در راستای سیاست راهبردی آمریکا در منطقه عمل می‌کنند.

پاسخ: دوست عزیز! اطلاعات شما در مورد آمریکا اشتباه هستند. در آمریکا ۹۵ درصد ثروت در يد ۵ درصد از اهالی جامعه است. طبق آمار رسمی ۴۰ میلیون نفر از مردم آمریکا زیر خط فقر زندگی می‌کنند. ۴۶ میلیون آمریکایی فاقد پوشش بیمه هستند. بر اساس گزارش‌های مطبوعاتی، تعداد بی‌خانمان‌های آمریکا، که در خیابان‌ها و معابر عمومی زندگی می‌کنند، بیش از دو میلیون و هشتصد هزار نفر است که پیش‌بینی می‌شود این تعداد رو به افزایش باشد. این گزارش‌ها از افزایش تعداد خانواده‌های بی‌سرپناه در آمریکا حکایت دارد و خانواده‌های جدیدی هر روز به جرگه بی‌خانمان‌ها در حومه شهرها افزوده می‌شوند. این گزارش نشان می‌دهد تعداد بی‌خانمان‌هایی که نتوانسته‌اند برای خود سرپناهی موقت تهیه کنند، تنها در طول یکسال به بیش از نیم میلیون نفر بالغ شده است. اتحادیه ملی مبارزه با پدیده بی‌خانمانی و آوارگی آمریکا برآورد کرده است که ۲ میلیون ۵۰۰ تا ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار آمریکایی حداقل یک شب را بدون سرپناه در سال سپری می‌کنند. در همین حال ۶۰ درصد سازمان‌های ذیربط در امور آوارگان در آمریکا فاش کرده‌اند که میزان کمپ‌های ایجاد شده برای آوارگان و بی‌خانمان‌ها از زمان آغاز بحران مسکن در آمریکا در سال ۲۰۰۷ میلادی، افزایش یافته است و حتی بسیاری از

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید

مردم در کالیفرنیا با توجه به بحران در بخش مسکن، در داخل خودروها یا پارکینگ‌ها می‌خوابند.

حال شما چگونه حاکمیت سرمایه‌داری امپریالیستی آمریکا را حامی ملت آمریکا، یعنی فرودستان جامعه می‌دانید! از طرفی قیاس دو جامعه آمریکا با ایران قیاس غلطی است. هر جامعه‌ای را باید بر اساس شرایط تاریخی و موقعیت اجتماعی آن مورد ارزیابی قرار داد. در ثانی مگر قرار است آمریکا برای ایران «دمکراسی» و «عدالت اجتماعی» به ارمغان آورد که شما وارد چنین بحثی شده‌اید. موضوع بحث، مخالفت با مداخله امپریالیستی و حق تعیین سرنوشت به دست خود ملت ایران است و ربطی به آمریکا ندارد. مردم ایران باید راه خودشان را برای کسب آزادی و عدالت طی کنند و با اتکاء به نیروی خویش، جامعه و خود را رها سازند.

پرسش: نزاعی که بین رژیم سرمایه‌داری و آمریکای سرمایه‌داری در گرفته است به طبقه کارگر مربوط نیست، کمونیست‌ها باید به فکر تشکیل بدیل خود و شوراها باشند. تا کی می‌خواهید این خط غلط را ادامه دهید!

پاسخ: دوست عزیز! با پرسش تان می‌خواهید ثابت کنید که نزاعی که بین رژیم سرمایه‌داری اسلامی و امپریالیسم آمریکا در گرفته به طبقه کارگر مربوط نیست. با این استدلال که رژیم، رژیم سرمایه‌داری و وابسته به امپریالیسم است! و مبارزه علیه رژیم خودبخود مبارزه علیه امپریالیسم است!

از نظر تئوریک خطائی را تکرار می‌کنید که لنین صد سال پیش به کسانی که حق ملل در تعیین سرنوشت را به اقتصاد می‌چسباندند و به نفی آن می‌پرداختند، پاسخ داد و از تضاد بین اقتصاد و سیاست سخن گفت و استقلال سیاسی کشورها را ممکن دانست. به عبارت دیگر کشوری می‌تواند از نظر اقتصادی وابسته باشد، اما تا مدت‌ها استقلال سیاسی خود را حفظ کند. امپریالیسم با نقض استقلال سیاسی به دنبال سلطه بلامنازع خود است، تا راه را برای پیشروی سرمایه سهل‌تر هموار کند. رژیم‌های ایران، کره، ونزئولا، بولیوی، سوریه، عراق صدام، لیبی قذافی و کوبا ماهیتاً بورژوایی‌اند با تفاوت‌های تاریخی و روئینایی. سخن بر سر این است: آیا باید علیه تحریم و تهدید و تجاوز به این کشورها ایستاد و آنرا محکوم کرد یا اینکه بی‌تفاوت از کنار آن گذشت و حق ملل در تعیین سرنوشت را فقط تحت رهبری طبقه کارگر مورد تأیید قرار داد! پرسش این است شما چه سیاستی در قبال عراق، افغانستان، لیبی سوریه اتخاذ کردید و امروز در قبال ایران چه می‌گوئید؟

یک چپ انقلابی واقعی ضمن دفاع اصولی از مطالبات

کارگران و زحمتکشان ایران و عموم مردم هرگونه شعار انحرافی و هم‌وزن قراردادن متجاوز و قربانی، تحریم‌کننده و تحریم‌شونده را محکوم می‌کند و آنرا به نفع امپریالیسم می‌داند. پرهیز از صحبت در مورد زورگویی امپریالیسم آمریکا و تحریم‌های جنایت‌کارانه شکل تکراری سناریوی سرنگونی رژیم عراق توسط امپریالیسم آمریکاست و آنها که در پارکبی ارتش آمریکا صدام را برانداختند، خائن به ملت عراق‌اند. اگر به این مسئله جدی برخورد نه‌شود، فاجعه به بار می‌آورد. خوب است نیم‌نگاهی به کشور همسایه ما عراق به‌اندازید، تا ببینید امپریالیست‌ها بر سر این ملت چه آوردند.

به نظر ما نخست باید خطوط را روشن کرد، بعد سراغ اتحادهای عملی رفت. در غیر اینصورت به دنبالچه نیروهای ارتجاعی بدل خواهیم شد. باید سرنگونی نظام سرمایه را یک وظیفه داخلی دانست و مداخلات «بشردوستانه» و تحریم‌های ضدانسانی را بدون ترس و اتهام به هواداری از رژیم محکوم کرد. سپاس از پرسش تان، به بحث تان با ما ادامه دهید!

پیروز باشید!



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید

تجاوزگران استعمارگر باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی‌قید و شرط ترک کنند!



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
POSTBANK						
bank code 20110022						
bank account No.: 25773372600						
IBAN: DE70201100222573372600						
P.O. BOX 1138						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						